

بخش: عمومی
۱۳ بهمن ۱۴۰۲
نسخه اصلی: انگلیسی

شورای حقوق بشر
پنجاه و پنجمین نشست
۷ اسفند ۱۴۰۲ - ۱۷ فروردین ۱۴۰۳
مورد ۴ دستور جلسه
شرایط حقوق بشری که نیازمند توجه شورا است

گزارش کمیته مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب در مورد جمهوری اسلامی ایران

خلاصه

گزارش حاضر که در پی قطعنامه س-۱/۳۵ به شورای حقوق بشر ارسال شده است، شامل تحقیقات کمیته مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب در مورد جمهوری اسلامی ایران تحت قوانین بین‌المللی حقوق بشر، و بنا بر اقتضا، قوانین ناظر بر جنایات تحت حقوق بین‌الملل است. در این گزارش، شورا یافته‌های خود را در رابطه با اعتراضات آغاز شده در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ و در بستر جنبش «زن، زندگی، آزادی»، به ویژه در رابطه با زنان و کودکان، ارائه می‌کند. این یافته‌ها شامل نتایج تحقیقات در رابطه با مرگ در بازداشت ژینا مهسا امینی و همچنین موارد دیگر نقض جدی حقوق بشر علیه معترضین و دیگران، از جمله توسل به قوای قهریه، دستگیری و بازداشت، شرایط در بازداشت، فضای مجازی و اقدامات قضایی در رابطه با اعتراضات است. این گزارش با ارزیابی مسئولیت حکومت در رابطه با موارد نقض حقوق بشر مورد احراز، و ارائه توصیه‌های ناظر بر مسئول نگاه داشتن مرتکبین و اقدامات جبرانی به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

* در ترجمه حاضر، عبارات «احراز کرد»، «محرز شد»، «مشخص کرد/شد»، «تشخیص داد»، «متقاعد است/شد»، «به این نتیجه رسید»، و «بر این نظر/باور است» برای عبارات انگلیسی “established”, “found/finds”, “is satisfied”, “has reasonable grounds to believe” استفاده شده که حاکی از به دست آمدن معیار اثبات «مبنای معقول» است. برای اطلاع بیشتر به «حیطه اختیارات و اصول کار» کمیته مراجعه کنید.

۱. مقدمه

۱. در قطعنامه س-۱/۳۵، شورای حقوق بشر تصمیم به تشکیل کمیته مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب در مورد جمهوری اسلامی ایران، با مأموریت انجام تحقیقات جامع و مستقل در رابطه با موارد گزارش شده نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران مرتبط با اعتراضات آغاز شده در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱، به ویژه موارد نقض حقوق بشر مرتبط با زنان و کودکان؛ احراز حقایق مرتبط با موارد گزارش شده نقض حقوق بشر و شرایط پیرامون آنها؛ گردآوری، منسجم کردن و بررسی شواهد و مدارک موارد نقض حقوق بشر؛ و حفظ و نگهداری این شواهد و مدارک، از جمله در راستای همکاری با هرگونه اقدامات حقوقی احتمالی در آینده گرفت. پیرو قطعنامه س-۱/۳۵، کمیته گزارش حاضر را جهت ارائه به پنجاه و پنجمین نشست شورا و همچنین گزارشی مفصل، تحت عنوان «گزارش اتاق کنفرانس» که به تفصیل در رابطه با وقایع، یافته‌های حقوقی و توصیه‌ها می‌پردازد را تهیه کرده است.

۲. شورای حقوق بشر از حکومت جمهوری اسلامی ایران مصرا نه خواستار همکاری کامل با کمیته حقیقت‌یاب، از جمله با اعطای دسترسی و ورود بلا مانع به کشور و در اختیار گذاشتن اطلاعات لازم برای تحقق مأموریت کمیته شد. کمیته حقیقت‌یاب از عدم همکاری حکومت، از جمله در رابطه با اعطای دسترسی به کشور و عدم ارائه اطلاعات لازم و بی پاسخ گذاشتن ۲۰ نامه ارسال شده توسط کمیته تا تاریخ ۲ بهمن ۱۴۰۲ ابراز تأسف می‌کند. اگرچه «کمیته ویژه بررسی ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱»، منصوب شده از جانب دولت، با کمیته حقیقت‌یاب تعامل برقرار کرد، فقدان هرگونه پاسخ مستدل و جامع موجب تأسف است.

۳. کمیته حقیقت‌یاب همچنین با مشکلات ناشی از اعمال محدودیت دولتی از جمله بر ارتباطات آنلاین که خطوط ثابت و تلفن همراه را تحت تأثیر قرار داد، افزایش نظارت تجسسی الکترونیکی [بر ارتباطات خصوصی]، و آزار و ارباب قربانیان، شاهدان و خانواده‌هایشان در داخل و خارج از کشور روبرو شد. این اقدامات منجر به ترسی فراگیر شد که بسیاری را از تعامل با کمیته منصرف کرد.

۴. با این وجود، کمیته حقیقت‌یاب توانست اطلاعات و شواهد و مدارک کافی را برای احراز حقایق و نتیجه‌گیری در رابطه با نقض قوانین بین‌المللی حقوق بشر و همچنین وقوع جنایات تحت قوانین بین‌المللی جمع‌آوری کند.

۲. روش‌شناسی و چارچوب قانونی

۵. کمیته حقیقت‌یاب، حیطة اختیارات و اصول کارش را در تیر ۱۴۰۲ منتشر کرد.^۱ کمیته تضمین کرده است که تمام فعالیت‌هایش اکیدا منطبق با اصول «آسیب نرساندن»، استقلال، بی طرفی، بی‌غرضی، شفافیت و پایبندی به رعایت اخلاق و صداقت باشد.

۶. کمیته حقیقت‌یاب بر اطلاعات و شواهد و مدارک زیر اتکا کرد: قوانین، آئین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها، مقررات و سیاست‌ها، بیانی‌ها و گزارش‌های رسمی و اسناد قضایی صادره از سوی مقامات ایران؛ مصاحبه‌های مفصل با قربانیان و شاهدان، تصاویر پزشکی، اسناد و گزارش‌های مستقل؛ عکس‌ها و فیلم‌های تایید شده؛ و تصاویر ماهواره‌ای.

۷. کمیته حقیقت‌یاب همچنین در مواردی که اطلاعات را معتبر و منشاء آن را مورد اطمینان و اعتبار سنجید، از منابع ثانویه برای تأیید و تصریح زمینه و بستر منابع دست اول و الگوها استفاده کرد. این منابع شامل اطلاعاتی بود که توسط نهادهای سازمان ملل متحد و سازمان‌های حقوق بشری به این کمیته ارائه شد.

^۱ قابل دسترس در: <https://www.ohchr.org/en/hr-bodies/hrc/ffm-iran/index>

۸. به دلیل محدودیت زمان و منابع و میزان دسترسی، کمیته حقیقت‌یاب موارد مورد تحقیق را بر اساس سنگینی موارد گزارش‌شده، بار نمادین آن‌ها و اطلاعات موجود اولویت‌بندی کرد. از این رو یافته‌های مطرح شده در برگیرنده تمام موارد نیست.

۹. با توجه به تمرکز بر زنان و کودکان، کمیته همچنین رویکردی تقاطعی (اینترسکشنال) را اتخاذ کرد. بر این مبنا، کمیته بررسی تأثیر موارد نقض حقوق بشر بر قربانیان را با منظور کردن هویت چندلایه آنان و/یا تبعیض‌های ساختاری بر مبنای سن، جنس، جنسیت، گرایش جنسی، هویت جنسیتی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، عقاید سیاسی، دین، مذهب یا اعتقادات، و هویت اتنیکی یا ملی اولویت داد.

۱۰. پیرو شیوه معمول در نهادهای تحقیقی سازمان ملل، کمیته حقیقت‌یاب معیار اثبات «مبنای معقول» را مبنا قرار داد.

۱۱. کمیته حقیقت‌یاب از قوانین بین‌الملل حقوق بشر به عنوان چارچوب اصلی برای تحقیقات خود استفاده کرد. بنا به اقتضا، سایر تعهدات دولت بر اساس معاهدات بین‌المللی و قوانین عرفی، از جمله در رابطه با جرایم تحت حقوق بین‌الملل، را نیز در نظر گرفت. این کمیته همچنین چارچوب حقوقی داخلی ایران را مورد نظر قرار داد.

۱۲. کمیته حقیقت‌یاب قدر دان تمام کسانی است که با ارائه اطلاعات و تجزیه و تحلیل با این تحقیقات همکاری و همیاری داشتند، به ویژه قربانیان، خانواده‌هایشان و شاهدان که برای ارائه شهادت قبول امکان خطر کردند. هیچ فردی نباید تحت هیچ شرایطی به دلیل همکاری با کمیته حقیقت‌یاب با اقدامات تلافی‌جویانه روبرو شود.

۳. پس زمینه

۱۳. جنبش «زن، زندگی، آزادی» در پی تاریخ بلند جنبش‌های اعتراضی، از جمله کنشگری زنان، در جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت. این جنبش خواسته‌های مدنی برای محو تبعیض عمیق و ریشه‌دار علیه زنان و دختران، که در قوانین حجاب اجباری کشور تجسم می‌یابد، را آشکار کرد و به سطح آورد. مرگ در بازداشت ژینا مهسا امینی، دختر جوان ایرانی-کرد پس از دستگیری به علت حجاب «نامناسب» جرقه اعتراضاتی بود که در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ آغاز شد و به سراسر کشور گسترش یافت. اعتراضات، زنان، مردان و کودکان با پیشینه‌های اتنیکی، دینی و اجتماعی-اقتصادی گوناگون و با نارضایتی‌ها متعدد را به عرصه آورد. این اعتراضات، به دلیل رهبری زنان و جوانان، وسعت و تداوم آن و در نهایت پاسخ پرخشونت حکومت بی‌سابقه بود. خشونت‌ها که شورای حقوق بشر را مجاب کرد تا این کمیته را تأسیس کند.

۱۴. همانند جنبش‌های اعتراضی پیشین در جمهوری اسلامی ایران، پاسخ به اعتراضات زیر پرچم «زن، زندگی، آزادی»، با سرکوب و مصونیت از مجازات مرتکبین همراه بود. همانطور که در گزارش حاضر به تفصیل شرح داده شده، مقامات چهره معترضان را تخریب و آن‌ها را بدنام کردند، از خشونت فیزیکی، روانی و جنسی، آزار و اذیت قضایی و همچنین طیف وسیعی از ابزارهای دیگر برای سرکوب نافرمانی و مخالفت مسالمت‌آمیز استفاده کردند. مناطق کشور با جمعیت اقلیت اتنیکی به ویژه تحت تأثیر قرار گرفتند.

۱۵. در حالی که اعتراضات خیابانی تا حد زیادی کاهش یافته‌اند، اثرات آن‌ها و همچنین دیگر اشکال اعتراض و سرکوب حکومتی همچنان ادامه دارد. در این گزارش، کمیته حقیقت‌یاب نتایج تحقیقات یکساله خود در رابطه با موارد گزارش شده نقض حقوق بشر و همچنین شرح و نگارش اقدامات شجاعانه نافرمانی و مقاومت افراد در سراسر کشور را ارائه می‌کند.^۲

۴. مرگ در بازداشت ژینا مهسا امینی

۱۶. کمیته اطلاعات و شواهد و مدارک مرتبط با مرگ خانم امینی در بازداشت گشت ارشاد یا «پلیس امنیت اخلاقی» را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده است.

^۲ برای مشاهده شواهد و مدارک مورد استناد و تحلیل کمیته به «گزارش اتاق کنفرانس» مراجعه کنید.

۱۷. کمیته احراز کرد که در ۲۲ شهریور ۱۴۰۱، حدود ساعت شش و نیم بعد از ظهر، خانم امینی پس از خروج از ایستگاه مترو شهید حقانی در تهران، به دلیل انگاشته‌شده «حجاب نامناسب»، توسط پلیس امنیت اخلاقی دستگیر شد. پلیس امنیت اخلاقی خانم امینی را با ون، جهت گذراندن «کلاس توجیهی و آموزشی» به بازداشتگاه وزرا منتقل کرد. او ۲۶ دقیقه پس از رسیدن به بازداشتگاه به زمین افتاد و ۳۰ دقیقه بعد به بیمارستان کسری منتقل شد. همان شب، خانواده او مطلع شدند که او «با تاخیر» و در حالی که «مرگ مغزی شده» بود به بیمارستان منتقل شده است. پدر خانم امینی، که اجازه پیدا کرد حداقل یک بار او را در بیمارستان ببیند، مکرراً و علناً اظهار کرد که در طول بازدید کیبودی‌هایی را بر روی پاهای خانم امینی و خونریزی از گوش او را دیده است. روز ۲۵ شهریور، خانم امینی جان باخت. ۲۶ شهریور پیکر او به زادگاهش، شهر سقز منتقل و به خاک سپرده شد. در گواهی فوت رسمی او، علت فوت «نامعلوم» ثبت شده است.

۱۸. کمیته بر ماهیت خودسرانه دستگیری و بازداشت خانم زینا مهسا امینی تاکید می‌کند. بازداشت و دستگیری او بر اساس قوانین و سیاست‌های ناظر بر حجاب اجباری، که اساساً علیه زنان و دختران تبعیض قائل و طبق حقوق بین‌المللی بشر مجاز نیست، صورت گرفت. این قوانین و سیاست‌ها، حق آزادی بیان، دین یا عقیده و تمامیت جسمانی زنان و دختران را نقض می‌کند. دستگیری و بازداشت خانم امینی که منجر به مرگ در بازداشت او شد، نقض حق آزادی‌های فردی او بود.

۱۹. در مواردی که فردی در بازداشت مجروح می‌شود یا جان می‌بازد، به دلیل کنترل اعمال شده توسط حکومت بر افراد در بازداشت، فرض کلی بر مسئولیت حکومت است. بر اساس شواهد و مدارک، عوارض ادعایی جراحی در دوران کودکی خانم امینی را نمی‌توان علت مستقیم و بی‌واسطه مرگ ایشان تلقی کرد. این کمیته بر اساس «مبنای معقول» بر این باور است که مرگ خانم امینی ناشی از علل خارجی بوده است. برای کمیته، وجود شواهدی مبنی بر تروما بر بدن خانم امینی که در زمان بازداشت ایشان در دست پلیس امنیت اخلاقی وارد شده، مشخص شده است. بر اساس شواهد و الگوهای خشونت پلیس امنیت اخلاقی در اعمال حجاب اجباری برای زنان، کمیته متقاعد است که خانم امینی مورد خشونت فیزیکی که منجر به مرگ او شده قرار گرفته است. بر این اساس، حکومت مسئول مرگ غیرقانونی اوست.

۲۰. کمیته همچنین به این نتیجه رسید که دولت در نقض قوانین بین‌المللی حقوق بشری، وظیفه خود مبنی بر انجام تحقیقات در رابطه با «مرگ‌های احتمالاً غیرقانونی» به طور سریع، موثر، جامع، مستقل، بی‌طرفانه و شفاف انجام نداده است. در عوض، مقامات ایران فعالانه در راستای پنهان کردن حقیقت درباره مرگ خانم امینی، از جمله از خانواده او و عموم مردم اقدام کردند. از همه بارزتر، خانواده خانم امینی مورد آزار و اذیت قضایی و ارباب در جهت اجبار آن‌ها به سکوت و مانع شدنشان از پیگیری قانونی قرار گرفتند. برخی از اعضای خانواده با دستگیری خودسرانه مواجه شدند، درحالی که وکیل خانواده، صالح نیکبخت و سه تن از خبرنگارانی که در رابطه با مرگ خانم امینی خبررسانی کردند؛ الهه محمدی، نیلوفر حامدی و نازیلا معروفیان، مورد بازداشت و تعقیب کیفری قرار گرفته و به زندان محکوم شدند.

۵. اعتراضاتی که از ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ آغاز شد

۲۱. تحت قوانین ایران، حق تجمعات مسالمت‌آمیز به شدت محدود شده است. سازمان‌دهی و مشارکت در اعتراضات یا تجمعات انتقادآمیز نسبت به جمهوری اسلامی عملاً جرم‌انگاری شده است. مقامات ایران معترضان جنبش «زن، زندگی، آزادی» را با عناوین «اغتشاشگر» یا «عناصر دشمن» خطاب کرده و بدین ترتیب فعالیت‌های محافظت شده تحت قوانین بین‌المللی حقوق بشری را تهدیدی برای نظم عمومی یا امنیت ملی تلقی کردند.^۲ اگرچه قوانین بین‌المللی حقوق بشری اعمال محدودیت‌هایی بر مبنای امنیت ملی و نظم عمومی را اجازه می‌دهد، چنین اقداماتی باید کمترین میزان مداخله‌جویی را داشته و در رابطه با اعتراضات مسالمت‌آمیز، تنها در موارد بسیار استثنایی مجاز محسوب می‌شوند. این کمیته اذعان می‌کند که نیروهای امنیتی کشته و مجروح شدند و نمونه‌هایی از خشونت توسط معترضان در دست است، اما به این نتیجه رسیده است که اکثریت غالب اعتراضات مسالمت‌آمیز بودند.

^۲ گزارش ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران، ۲۳ مهر ۱۴۰۱؛ ۲۹ آبان ۱۴۰۱؛ ۱۸ بهمن ۱۴۰۱.

الف - توسل به قوای قهریه

۲۲. مقامات دولتی ارقام و آمار دقیق یا اطلاعات تفکیک شده در مورد افراد کشته و مجروح شده در بستر اعتراضات ارائه نکرده‌اند. با این وجود، دولت اعلام کرد که اعتراضات منجر به کشته شدن ۷۵ یا بیشتر و زخمی شدن ۷۰۰۰ نفر از ماموران انتظامی و امنیتی شده است.^۴ تا شهریور ۱۴۰۲، ارقام معتبر حاکی از کشته شدن ۵۵۱ نفر، از جمله ۴۹ زن و ۶۸ کودک بود. زنان و مردان به میزانی مشابه مجروح شدند. جان‌باختن قربانیان در حداقل ۲۶ از ۳۱ استان، با بیشترین تعداد قربانیان در مناطق با جمعیت اقلیت، به ویژه در سیستان و بلوچستان، مناطق کرد کشور (کردستان و کرمانشاه) و بخش‌هایی از آذربایجان غربی ثبت شده است. بالاترین تعداد جان‌باختگان در یک روز مربوط به ۱۰۴ نفر بود که ۸ مهر ماه ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات پس از نماز جمعه در شهر زاهدان در استان سیستان و بلوچستان ثبت شده است.

۲۳. کمیته توسل نیروهای امنیتی به قوای قهریه در اعتراضات بین ۲۵ شهریور و ۳۰ آبان در ۱۴ استان را مورد تحقیق قرار داد، به‌ویژه مواردی که ماهیت نمادین داشته و کمیته آن‌ها را نمونه و نشانگر الگوهای استفاده از قوای قهریه‌ی مستندشده محسوب کرده است.

۲۴. کمیته الگوی استفاده نیروهای امنیتی از سلاح‌های گرم، از جمله تفنگ‌های تهاجمی و تفنگ‌های/شاتگان ساچمه‌پران را که منجر به اکثر موارد مرگ شد احراز کرده است. کمیته همچنین به این نتیجه رسید که مهماتی که به عنوان «کمتر مرگبار» شناخته می‌شوند، از جمله کینتیک ایمپکت پروژکتایل (مهمات چوون گلوله پلاستیکی)، خارج از پارامترهای ناظر بر استفاده از چنین مهماتی مورد استفاده قرار گرفتند. در یک سند، بر اساس گزارشی رسمی، مقامات قوه قضائیه تأیید کردند که در طول یک شب، نیروی (فرماندهی) انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا)، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج با استفاده از سلاح‌هایی مانند ام پی ۵ (مسلسل دستی)، کلاشنیکف و کلت، تقریباً ۳۰۰ فشنگ جنگی و بیش از ۱۲ فشنگ مشقی و نزدیک به ۳۰۰ فشنگ ساچمه پلاستیکی و ۴۰ گلوله پلاستیکی شلیک کردند. در این سند قید شده که نیروهای امنیتی همچنین از گاز اشک‌آور، فشنگ‌های صوتی و نارنجک دودزا استفاده کردند.

۲۵. کمیته استفاده نیروهای امنیتی از قوای مرگبار علیه معترضان در شرایطی که تهدید قریب الوقوع مرگ یا جراحت جدی وجود نداشته است را احراز کرد. اعمال خشونت‌آمیز توسط معترضان به صورت انفرادی مانند پرتاب سنگ، سوزاندن لاستیک یا ایجاد مانع برای پلیس، تهدید قریب الوقوع مرگ یا جراحت جدی که استفاده از قوای مرگبار را توجیه نمی‌کند. به همین ترتیب، خشونت توسط معترضان در اوایل یا بخشی دیگر از اعتراضات، استفاده از قوای مرگبار را توجیه نمی‌کند چون تهدید قریب الوقوعی وجود ندارد. اعتراضات روبروی ساختمان دولتی یا پایگاه امنیتی، شعار دادن، کمک به دیگران یا راندن ماشین در نزدیکی اعتراضات، ذاتاً اقدامات مسالمت‌آمیز است. قربانیانی که در حالی که آن‌ها یا افرادی دیگر مشغول چنین فعالیت‌هایی بودند و با سلاح‌های مرگبار مجروح یا کشته شدند، تهدیدی قریب الوقوع ایجاد نکرده بودند. در نتیجه، استفاده از سلاح‌های مرگبار در موارد بررسی شده غیرقانونی و کشتن هدفمند معترضان اعدام فراقضایی محسوب می‌شود.

۲۶. کمیته الگوهای توسل به قوای مرگبار از جمله تیراندازی عامدانه به طور یک سره و بدون تمییزگذاری با تفنگ‌های شاتگان یا اسلحه‌های دیگر با گلوله‌های متعدد ساچمه‌ای فلزی، همچون ساچمه پرنده‌زنی به سوی معترضان و رهگذران با هدف متفرق کردن اعتراضات را شناسایی کرد. نیروهای امنیتی اعضای حیاتی بدن معترضان و عابران، از جمله صورت، سر، گردن و ناحیه تناسلی را، به ویژه با گلوله‌های ساچمه‌ای مورد هدف قرار دادند. استفاده از گلوله‌های ساچمه‌ای فلزی متعدد در اعتراضات، به دلیل خطر ایجاد جراحت جدی در معترضان و رهگذران استفاده بی‌رویه و بدون تمییز محسوب شده و غیرقانونی است.

۲۷. کمیته همچنین استفاده از سلاح و مهمات «کمتر مرگبار» را مورد بررسی قرار داد. بر اساس گزارش‌های ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران، معترضان به املاک خصوصی، اماکن عمومی و مذهبی خسارات گسترده وارد کردند.^۵ کمیته برخی گزارش‌های تخریب مادی را تأیید کرد، اما به این نتیجه رسید که حتی استفاده از قوای «کمتر مرگبار»، مانند گاز اشک‌آور یا ماشین‌های آب‌پاش، به دلیل تأثیر بی‌رویه و بدون تمایز آن‌ها بر معترضان، به ویژه بر معترضان مسالمت‌آمیز،

^۴ بیانات دبیر ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران در پنجاه و سومین جلسه شورای حقوق بشر، ۱۴ تیر ۱۴۰۲.
^۵ گزارش ستاد عالی جمهوری اسلامی ایران، ۲۳ مهر ۱۴۰۱؛ ۲۹ آبان ۱۴۰۱؛ ۱۸ بهمن ۱۴۰۱.

بی‌فایده بود. علاوه بر این، با وجود این که گلوله‌های پلاستیکی گلوله‌های «کمتر مرگبار» محسوب می‌شوند، استفاده از مهمات حاوی چندین گلوله پلاستیکی که همزمان شلیک می‌شود خطر ایجاد جراحت چشم و کور شدن به همراه دارد و منجر به چنین جراحاتی در معترضان و عابران شد.

۲۸. کمیته الگوی جراحات‌های گسترده و مادام‌العمر معترضان که زندگی آن‌ها را دگرگون کرد، در نتیجه استفاده از قوای مرگبار و «کمتر مرگبار» را احراز کرد. گزارش‌های پزشکی قانونی و پزشکی، آسیب‌های شدید و تخریب جمجمه، بافت مغز و ارگان‌های داخلی افراد که توسط مجموعه‌ای از سلاح‌ها و مهمات موجب شده بود را ثبت کردند.

۲۹. کمیته الگوی صدمات چشمی معترضان و عابران، از جمله زنان و کودکان، که منجر به از دست رفتن جزئی یا کامل بینایی آن‌ها شد و سلامت جسمی و روانی، و در مورد کودکان، تحصیلشان را متاثر کرد، احراز کرد. شاهدهی که بینایی یک چشم خود را از دست داده بود به یاد آورد که یکی از ماموران نیروهای امنیتی گلوله پلاستیکی را توسط تفنگ پینت‌بال از فاصله ۱ متری به سمت سر او نشانه گرفت. کمیته تأثیر بازدارنده و خوف‌آور چنین صدماتی را خاطر نشان می‌کند، از آنجا که بر قربانیان اثری دائم باقی گذاشته و آن‌ها را اساساً به عنوان معترض «نشان‌گذاری» می‌کنند. در بستری که اعتراضات در عمل جرم‌انگاری شده است، کمیته بر این باور است که چنین نتیجه‌ایی هدفمند و از روی قصد بوده است.

۳۰. بر مبنای الگویی شناسایی شده، نیروهای امنیتی معترضان مشخص را به دلایل تبعیض‌آمیزی مانند جنسیت و هویت اتنیکی هدف قرار دادند. زن معترضی مورد تهدید قرار گرفت که اگر حجاب خود را بر سر نکند به او شلیک می‌کنند. زنان دیگر، پیش از آن که به آن‌ها شلیک شود فاحشه خطاب شدند و به آن‌ها گفته شد که چیزی با عنوان «زن، زندگی، آزادی» وجود ندارد.

۳۱. عدم مراقبت‌های درمانی اورژانس موجب وخامت وضعیت شد. در برخی موارد، نیروهای امنیتی از آمبولانس برای حمل و نقل استفاده کردند. معترضان مجروح مرتباً از بستری شدن در بیمارستان‌هایی که با حضور شدید ماموران انتظامی محاصره شده بودند، محروم شدند. به کادر پزشکی به طور رسمی از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دستور داده شد که هر کسی را که درخواست مراقبت پزشکی برای جراحات داشت گزارش دهند. نیروهای امنیتی کادر درمانی و پزشکی را مورد اذیت و آزار قرار داده و دستگیر و بازداشت کردند.

۳۲. کمیته به این نتیجه رسید که نیروهای امنیتی به قوای قهریه غیرضروری و مغایر با اصل تناسب متوسل شدند و معترضانی که تهدید قریب الوقوع مرگ یا جراحت جدی متوجه [کسی] نکرده بودند را کشته و مجروح کردند و به این وسیله مرتکب قتل‌های غیرقانونی و فراقضایی شدند.

ب - دستگیری و بازداشت در بستر اعتراضات

۳۳. کمیته الگوی گسترده دستگیری یا بازداشت خودسرانه معترضان توسط نیروهای امنیتی به دلیل طیف وسیعی از فعالیت‌های مورد حمایت حقوق بین‌الملل مانند رقصیدن، شعار دادن یا شعار نویسی روی دیوارها و بوق زدن در ماشین را احراز کرد. مقامات همچنین اعضای خانواده‌های معترضان را که خواستار عدالت، دادخواهی و اقدامات جبرانی بودند، حامیان آن‌ها (وکلا، کادر پزشکی) و افرادی که ابراز همبستگی کردند، مانند معلمان، هنرمندان، ورزشکاران، و تأثیرگذاران رسانه‌های اجتماعی را دستگیر کردند. مقامات همچنین کسانی را که به دنبال کشف حقیقت در رابطه با موارد نقض حقوق بشر بودند، مانند روزنامه‌نگاران و مدافعان حقوق بشر، دستگیر و بازداشت کردند.

۳۴. هزاران زن، مرد و کودک در سراسر کشور دستگیر شدند. بدون ارائه هیچ گونه اطلاعات عمومی در مورد تعداد افراد دستگیر و بازداشت شده، در بهمن ۱۴۰۱، دولت اعلام کرد که ۲۲ هزار نفر در ارتباط با اعتراضات مورد عفو قرار گرفته‌اند.^۶ طبق گزارش برخی سازمان‌های حقوق بشری، ممکن است که تعداد افراد بازداشت شده در اعتراضات به ۶۰ هزار نفر برسد. مقامات میانگین سنی دستگیرشدگان را ۱۵ سال اعلام کردند.^۷

۳۵. نیروهای امنیتی و اطلاعاتی در طی و پس از اعتراضات با قصد دستگیری، تفتیش و توقیف، به خانه‌ها، محل کار و مدارس و دانشگاه‌های معترضان، یورش‌های هدفمند انجام دادند. این یورش‌ها حتی در مراسم یادبود یا مراسم خاکسپاری نیز صورت گرفت. معترضان با استفاده از ابزارهای اطلاعاتی و تجسسی مانند پهپادها و دوربین‌های مداربسته مورد شناسایی قرار گرفتند. ماموران امنیتی و اطلاعاتی با حضور تعداد قابل توجه در اطراف بیمارستان‌ها، معترضان مجروح را که برای معالجه و مراقبت‌های پزشکی مراجعه می‌کردند، دستگیر کردند.

۳۶. ماموران لباس شخصی گاهی در جریان دستگیری، برای پنهان کردن صورت و هویت خود از ماسک استفاده کردند. به افرادی که در خارج از محل اعتراضات دستگیر شدند، عمدتاً حکم قضایی بازداشت یا دلیل دستگیری ارائه نشد. افرادی که دستگیر یا به بازداشتگاه منتقل شدند عموماً مورد خشونت فیزیکی و جنسیتی و آزار زبانی قرار گرفتند.

۳۷. زنان با خشونت دستگیر شدند و در طول حمل و نقل به اماکن بازداشت توسط ماموران نیروهای امنیتی در معرض لمس اندام تناسلی قرار گرفتند. بعضی از زنان به دلیل شرکت در اعتراضات در خانه‌های خود دستگیر شدند. این امر حاکی از این احتمال است که برای شناسایی آن‌ها از سیستم‌های تجسسی و مراقبتی استفاده شده است. زنان مدافع حقوق بشر و کسانی که نقش مهمی در اعتراضات ایفا کردند دستگیر یا برای اجرای احکام بیشتر تعلیق شده احضار شدند تا از شرکتشان در اعتراضات جلوگیری کنند.

۳۸. معترضان با چشم‌پند و در خودروهای بدون آرم و علامت و در برخی موارد با آمبولانس به بازداشتگاه‌های نامعلوم منتقل شدند. مقامات حکومتی آن‌ها را در طیف مختلفی از بازداشتگاه‌ها، از جمله کلانتری‌ها، زندان‌ها و اماکن مخفی یا غیررسمی (پادگان‌های نظامی، مکان‌های ورزشی، خانه‌ها و آپارتمان‌های شخصی، ساختمان‌های تخریب شده و اتاق‌های زیرزمینی متعلق به وزارت کشور یا سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) بازداشت کردند. دستگیرشدگان یا ثبت نشدند یا با تأخیر قابل توجه و گاهی فقط پس از اعترافات اجباری به نحوی که حتی با آیین دادرسی کیفری ایران مغایرت داشت^۹ ثبت شدند.

۳۹. در جریان اعتراضات و پس از آن، صدها کودک، برخی از آن‌ها ۱۰ ساله، از جمله دختران، در دستگیری‌های دسته جمعی بازداشت شدند و همراه با بزرگسالان در بازداشتگاه‌ها نگهداری شدند. برخی دیگر با هدف «اصلاح» به مراکز بازداشت نوجوانان یا مراکز روانشناسی برده شدند.

۴۰. حتی حق محدود دسترسی به وکیل در لیست تایید شده رئیس قوه قضائیه^۹، و حق حضور بی تأخیر در مقابل مقام قضایی مستقل و بی طرف نیز رعایت نشد.

۴۱. مقامات ایران بازداشت‌شدگان را ممنوع از ملاقات و تماس تلفنی و یا به مدت طولانی در سلول انفرادی نگهداری کردند و به خانواده‌های بازداشت‌شدگان در مورد محل نگهداری‌شان اطلاع ندادند. آن‌ها در برخی موارد، بازداشت‌شدگان را خارج از حمایت قانون قرار داده که مصداق ناپدیدسازی قهری محسوب می‌شود. در اکثر مواردی که کمیته مورد تحقیق قرار داد، بازداشت‌شدگان تنها پس از پرداخت وثیقه سنگین از سوی خانواده آزاد شدند.

پ - شکنجه و رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز

۴۲. کمیته احراز کرد که مقامات دولتی ایران عمداً، به دلایلی مانند اخذ اعترافات اجباری، کسب اطلاعات، مجازات، ارباب، تحقیر، اجبار یا به دلایل مبتنی بر تبعیض و برای جلوگیری از شرکت در اعتراضات، مرتکب شکنجه شدند. علاوه بر این، به دلیل تهدید به چنین رفتاری، بسیاری از دستگیرشدگان، اغلب جوانان، در پاسخ به خواسته‌های بازجویان خود، دست به اقرار زدند.

۴۳. عموماً، شکنجه و بدرفتاری از آغاز دستگیری شروع شده و در حین انتقال به بازداشتگاه‌ها از جمله کلانتری‌ها، بازداشتگاه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات و زندان‌هایی که توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی

^۹ قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۴۹ و قانون نحوه ایجاد، اداره و نظارت بر بازداشتگاه‌های انتظامی، ماده ۴۷.

^۹ قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۴۸.

و تربیتی کشور اداره می‌شوند، ادامه یافت. بازداشت‌شدگان، از جمله کودکان، تحت جلسات بازجویی طولانی مدت و مکرر که در طی آن چشم‌هایشان با چشپند یا کلاه بسته بود، مورد اشکال مختلف اذیت و آزار جسمی و روانی که مصداق شکنجه بود، قرار گرفتند. شکنجه‌ها شامل ضرب و جرح فیزیکی، مانند مشت و لگد زدن، ضرب و شتم، شلاق و سوزاندن، استفاده از شوک الکتریکی، آویزان کردن و نگاه‌داشتن در وضعیت‌های دردناک بود. به تعداد زیادی از بازداشت‌شدگان، از جمله کودکان، به اجبار مواد ناشناخته تزریق شد. اکثر قربانیان گزارش دادند که با وجود جراحات ناشی از شکنجه، به مراقبت‌های درمانی دسترسی نداشتند. زندانیان به طور نظام‌مند مورد آزار زبانی، از جمله توهین‌هایی با ماهیت جنسی یا بر اساس هویت اثنیکی و مذهبی قرار گرفتند. مقامات بازداشت‌کننده از انواع شکنجه‌های روانی و بدرفتاری از جمله نگهداری در سلول انفرادی از یک شب تا چند هفته، تهدید به مرگ، تهدید به تجاوز جنسی و تهدید به آسیب رساندن به اعضای خانواده استفاده کردند. هولناک‌ترین اشکال خشونت، از جمله خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت، در بازداشتگاه‌های غیررسمی که توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات اداره می‌شوند، ارتکاب می‌یافتند.

۴۴. کمیته احراز کرد که کودکان روزها یا حتی هفته‌ها در بازداشتگاه‌های رسمی و غیررسمی، بدون اطلاع از دلیل بازداشت، بدون امکان تماس با خانواده و امکان تقاضای دسترسی به وکیل، نگهداری شدند و مانند بزرگسالان، تحت شکنجه شدید جسمی، روانی و جنسی، از جمله تجاوز جنسی، قرار گرفتند.

۴۵. کمیته چندین نمونه مرگ در بازداشت در نتیجه شکنجه را احراز کرد. بازماندگان مجروح بعد از آزاد شدن، به دلیل ترس از اقدامات تلافی‌جویانه مراقبت درمانی نگرفتند و شکنجه را گزارش نکردند. برخی از معترضین تنها پس از نقل مکان به خارج از کشور تحت مراقبت‌های درمانی و حمایت‌های روانی قرار گرفتند.

۱. خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت

۴۶. کمیته الگوی خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت ارتکاب یافته توسط مقامات دولتی در مکان‌های بازداشت را احراز کرد. این شامل تجاوز جنسی، از جمله با اشیاء، تهدید به تجاوز، وارد کردن شوک الکتریکی به ناحیه تناسلی، برهنگی اجباری، دست زدن، لمس کردن و سایر انواع خشونت جنسی بود. کمیته به نتیجه رسید که زنان، مردان و کودکان، از جمله افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیوآی‌پلاس که در ارتباط با اعتراضات دستگیر و بازداشت شده بودند مورد خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت قرار گرفتند.

۴۷. نمونه بارز این الگو، یک زن معترض است که در آبان ۱۴۰۱ در استان کرمانشاه دستگیر و به بازداشتگاهی غیررسمی منتقل شد، ساعت‌ها توسط ماموران امنیتی در رابطه با نقش انگاشته‌شده او در اعتراضات مورد بازجویی قرار گرفت و سپس برای «بازرسی بدنی» به اتاقی دیگر منتقل شد. همانطور که او در حال درآوردن لباسش بود، یک مأمور مرد و یک مأمور زن چادرپوش وارد اتاق شدند و او را به زور روی زمین کشاندند و در حالی که او را نگاه داشته بودند، مأمور مرد دیگری به او تجاوز کرد. بعد از این، مأموری که او را نگاه داشته بود نیز به او تجاوز کرد.

۴۸. در پیش‌زمینه‌ایی که مرتکبین خشونت جنسی و جنسیتی از مجازات مصون بوده‌اند، نیروهای امنیتی از انگ اجتماعی و فرهنگی مرتبط با خشونت جنسی و جنسیتی برای گسترش ترس و تحقیر و تنبیه زنان، مردان، کودکان و افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیوآی‌پلاس یا خانواده‌های آن‌ها به دلیل مشارکت در اعتراضات، سوءاستفاده کردند. خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت اغلب همراه بود با توهین‌های جنسیتی علیه زنان معترض؛ به آن‌ها برچسب «فاحشه»، «کثیف»، «بدکاره»، «بی‌شرف» «که می‌خواستند برهنه شوند» و «بی‌اخلاقی و بی‌بندوباری» را اشاعه دهند زده شد. در برخی نمونه‌ها، مقامات خشونت جنسی را بر این اساس که «این آزادی بود که آن‌ها خودشان می‌خواستند» توجیه کردند. کمیته الگوی قابل تشخیص از بی‌رحمی علیه معترضان را بر اساس جنسیت، گرایش جنسی و هویت جنسیتی حقیقی یا فرض‌شده آن‌ها احراز کرد.

۴۹. خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت، به ویژه، پیامدهای عمیق و ماندگار بر سلامت روحی و جسمی بازماندگان دارد. بازماندگان، به دلیل ننگ و شرم گرم‌خورده با این اشکال خشونت و همچنین قوانین تبعیض‌آمیزی که نه تنها از آن‌ها محافظت نمی‌کند، بلکه ممکن است منتهی به مجرم‌انگاری آن‌ها شود تحت خطر قربانی شدن مضاعف هستند. این عوامل منجر به میزان پایین گزارش‌دهی می‌شود و در نتیجه حاکی از آن است که سطح خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت، اگرچه در حال حاضر هم بسیار گسترده است، ممکن است حتی وسیع‌تر باشد.

۲. شرایط بازداشت

۵۰. کمیته احراز کرد که شرایط بازداشت زنان، مردان، و کودکانی که در ارتباط با اعتراضات دستگیر شدند، هم در بازداشتگاه‌های رسمی و غیررسمی در سراسر کشور هولناک و مصداق رفتار غیرانسانی، بی‌رحمانه یا تحقیرآمیز و در برخی موارد معادل شکنجه بود.

۵۱. بازداشت‌شدگان در سلول‌های پرجمعیت کوچک و غیربهداشتی، بدون تختخواب، با چراغ‌هایی که ۲۴ ساعته روشن بود و یا در تاریکی کامل نگهداری شدند. اکثریت افراد بازداشت‌شده در ارتباط با اعتراضات گزارش کردند که غذا و آب ناکافی و بی کیفیت به آن‌ها داده شده و از مراقبت درمانی محروم بودند و یا تنها داروهای ساده [مثل مسکن]، حتی زمانی که جراحات جدی داشتند، به آن‌ها داده شد.

ت - محاکمات

۵۲. کمیته الگوی تعقیب کیفری و اعمال مجازات بر افراد را برای فعالیت‌های مسالمت‌آمیز تحت حمایت حقوق بین‌الملل، از جمله شرکت در اعتراضات مسالمت‌آمیز، ابراز مخالفت مشروع با قوانین و اقدامات تبعیض‌آمیز علیه زنان و دختران همچون رقصیدن و کف زدن با موسیقی، شعار دادن و انتشار مطلب در رسانه‌های اجتماعی در ارتباط با اعتراضات احراز کرد.

۵۳. دادگاه‌های کیفری و انقلاب، بر اساس اتهامات مجرمانه مبهم از جمله «تبلیغ علیه نظام»، «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایم علیه امنیت»، «برهم زدن نظم عمومی»، «تشکیل یا عضویت در دسته یا جمعیت به قصد برهم زدن امنیت کشور»، «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی»، «توهین به رهبر»، و «توهین به مقدسات اسلام» معترضین را محاکمه و محکوم کردند.

۵۴. این گونه محکومیت‌ها به دلایلی از جمله وجود استثنای مبهم و تعریف‌نشده بر حقوق به رسمیت‌شناخته شده در قانون اساسی و همچنین مواد قانون مجازات اسلامی، از جمله موادی که «توهین» به اسلام، شخصیت‌های دینی یا مقامات رسمی را جرم‌انگاری می‌کند صورت گرفت. چنین مقرراتی قابلیت تفسیرپذیری گسترده داشته و با اصول قانونی بودن جرایم و مجازات مغایرت دارد. این جرایم به شکل غالب در رابطه با اشکال بیان حمایت‌شده تحت آزادی بیان و برای سرکوب مخالفان واقعی یا فرض‌شده، از جمله در بستر اعتراضات، استفاده شده است.^{۱۰} برخی از این جرایم، مجازات اعدام، احکام حبس طولانی‌مدت یا احکامی که معادل شکنجه و بدرفتاری است، همچون شلاق را به دنبال دارند.

۵۵. کمیته احراز کرد که در بستر و پیش‌زمینه عدم استقلال و بی طرفی ساختاری قوه قضائیه، قضات دادگاه‌های کیفری و انقلاب نسبت به معترضان و مخالفان سیاسی واقعی یا فرض‌شده، آشکارا غرض نشان داده، شکایات مربوط به شکنجه و بدرفتاری را نادیده گرفتند و در عوض، برای محکوم کردن معترضان بر اعترافات اجباری اخذ شده تحت شکنجه اتکا کردند. دادرسی‌های عجولانه و شتابزده، پشت درهای بسته و نقض نظام‌مند ضمانت‌های دادرسی عادلانه نیز نشانگر عدم بی‌طرفی است.

۵۶. رسانه‌های دولتی یا وابسته به دولت اظهاراتی که در آن افراد به مجرم بودن خود و یا دیگران اقرار می‌کنند را قبل از محکومیت آن‌ها پخش کردند، از جمله «اعترافات» ضبط شده شش مرد که در ارتباط با اعتراضات اعدام شدند. در بسیاری موارد، «اعترافات» اندکی پس از دستگیری و قبل از شروع محاکمه ضبط شده و تحت شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها و بدون حضور وکلا گرفته شدند.

۵۷. اکثریت مطلق افراد بازداشت‌شده در طول کل تحقیقات به وکیل دسترسی نداشتند. در مواردی که افراد به وکیل دسترسی داشتند، اغلب از دسترسی به وکلای منصوب مستقل، از جمله در جلسه دادرسی، محروم بودند. کمیته همچنین دریافته است که تعداد محدود وکلای مورد تایید در لیست رئیس قوه قضائیه شده در برخی استان‌ها، ارتباط نزدیک آن‌ها با مقامات قضایی و غرضی که برخی از آن‌ها علیه معترضان نشان دادند، موجب تضعیف حق دفاع متهمین شد. برخی افراد تنها در مرحله تجدیدنظر و بعد از صدور حکم، توسط وکلای انتخابی نمایندگی شدند.

^{۱۰} قانون مجازات اسلامی، مواد ۲۶۲، ۵۱۳، ۵۱۴ و ۶۰۹.

۵۸. افراد تحت تعقیب کیفری عموماً در مرحله تحقیقات به پرونده خود دسترسی نداشتند که آن‌ها را از امکان تهیه دفاعیه محروم کرد.^{۱۱} در برخی موارد، معترضان در دو محاکمه جداگانه به موازات، یک بار در دادگاه کیفری و یک بار در دادگاه انقلاب، برای یک عمل که به ارتکاب آن متهم بودند محاکمه شدند.

۵۹. اغلب جلسات دادگاه پشت درهای بسته، به طور غیر علنی برگزار شد و اعضای خانواده و وکلای مستقل منصوب مرتباً از ورود منع شدند. در اقدامی برای بازداشتن دیگران از شرکت در اعتراضات، معترضان در دادرسی‌های شتابزده محاکمه شدند. در اکثر موارد، تنها یک جلسه رسیدگی دادگاه برگزار شد. گاهی جلسات دادگاه تنها در چند دقیقه و با عدم حضور شاهدین به نفع متهم برگزار شد.

۶۰. کمیته الگوی صدور قرار تعلیق تعقیب و احکام تعلیقی برای ایجاد بازدارندگی از اعتراض یا مخالفت، را احراز کرد. در ۱۶ بهمن ۱۴۰۱، قوه قضائیه پیش نیازهای درخواست عفو دولتی را اعلام کرد که در نقض حق افراد بر برائت، شامل الزام به اقرار به گناه و ابراز پشیمانی، حتی برای افرادی بود که به هیچ اتهامی محکوم نشده بودند.^{۱۲}

ث - استفاده از مجازات اعدام در بستر اعتراضات

۶۱. در حالی که دولت هیچ گونه اطلاعاتی در مورد تعداد احکام اعدام صادر شده برای معترضان ارائه نکرده است، بنا بر اطلاعات معتبر، تا دی ۱۴۰۲، دادگاه‌ها حداقل ۲۸ حکم اعدام در رابطه با اعتراضات صادر کردند. از این ۲۸ نفر، ۹ مرد جوان به ترتیب در ماه‌های دسامبر ۲۰۲۲ (آذر ۱۴۰۱)، ژانویه (دی ۱۴۰۱)، مه (اردیبهشت ۱۴۰۲)، نوامبر ۲۰۲۳ (آذر ۱۴۰۲)، و ژانویه ۲۰۲۴ (بهمن ۱۴۰۲)، اعدام شدند. در حالی که طبق گزارش‌ها حداقل شش فرد دیگر تحت حکم اعدام بوده و در زمان نوشتن این گزارش، برخی در معرض خطر اعدام قریب الوقوع قرار داشتند. کمیته جزییات بیش از صد نفر، از جمله ۵ زن که طبق گزارش‌ها متهم به جرایمی مربوط به اعتراضات که می‌تواند منجر به مجازات اعدام شود، ثبت کرد. روند دادرسی علیه ۹ فرد اعدام شده با نقض جدی حقوق آن‌ها بر دادرسی عادلانه همراه بود. دیگران به جرائمی محکوم شدند که یا در زمره «جدی‌ترین جرایم» نبوده و یا مشمول حقوق مورد حمایت شده تحت حقوق بین‌الملل بودند. به عنوان نمونه، جواد روحی به سه بار اعدام، از جمله به اتهام «ارتداد»، محکوم شد. احکام اعدام آقای جواد روحی پیش از مرگ در بازداشت او در ۹ شهریور ۱۴۰۲ در پی گزارش‌های معتبر شکنجه، نقض شده بود.

۶۲. کمیته احراز کرد که رسیدگی‌های قضایی منجر به احکام اعدام، در بحبوحه درخواست‌های مکرر مقامات دولتی برای تسریع محاکمات و اجرای احکام اعدام به طور شتابزده انجام شد.^{۱۳} همچنین مقامات کشور، افراد محکوم به مرگ را تنها چند هفته پس از دستگیری و/یا پس از تاریخ صدور حکم، اعدام کردند. اعدام در ملاء عام مجیدرضا رهنورد در آذرماه ۱۴۰۱، دومین اعدام در ملاء عام با وقفه دو ساله، تنها سه هفته پس از دستگیری او، اجرا شد. به همین ترتیب، محمد مهدی کرمی و سید محمد حسینی تنها ۲ ماه پس از جرایمی که به ارتکاب آن متهم بودند، اعدام شدند.

۶۳. دادگاه‌ها بر اعترافات که تحت شکنجه و بدرقتاری اخذ شده بود اتکا کردند. هیچ‌گونه تحقیقاتی توسط مقامات در مواردی که متهمین اعترافات خود را در دادگاه پس گرفتند و مواردی که شکنجه و اجبار و اکراه، از جمله به شکل عمومی گزارش شد، انجام نشده است. در مواردی که گزارش شکنجه و اعترافات اجباری مطرح شد، مقامات بدون انجام هیچ تحقیقاتی احکام اعدام را اجرا کردند.

۶۴. کمیته احراز کرد که اعدام محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد، محمد مهدی کرمی، سید محمد حسینی، مجید کاظمی، سعید یعقوبی، صالح میرهاشمی، میلاد زهره‌وند، و محمد قبادلو، در پی دادرسی‌های شتاب زده و بدون رعایت اصول و تضمینات دادرسی عادلانه مصداق سلب حیات غیرقانونی و خودسرانه بوده و ممنوعیت شکنجه و بدرقتاری را نقض کرده است.

^{۱۱} قانون آیین دادرسی کیفری، مواد ۱۹۱، ۳۵۱ و تبصر ماده ۳۵۱.

^{۱۲} <https://www.irna.ir/news/85020213/>

^{۱۳} <https://www.irna.ir/news/84934370/>

ج - خانواده قربانیان

۶۵. مقامات دولتی دست به اقدامات هماهنگ برای پنهان کردن حقیقت در مورد معترضان کشته شده و اجبار خانواده‌های آن‌ها به سکوت کردند. خانواده‌ها پس از اطلاع‌رسانی، از جمله از طریق رسانه‌ها، در مورد کشته یا زخمی شدن عزیزانشان، برگزاری مراسم یادبود یا طرح شکایت رسمی مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. آزار و اذیت قبل از برگزاری مراسم سوگواری، که بر اساس سنت در روزهای سوم و چهارم پس از مرگ برگزار می‌شود و در روز تولد جانباختگان، وقتی که خانواده‌ها در صدد آمدند که بر مزار عزیزانشان جمع شوند، تشدید شد.

۶۶. مقامات دولتی خانواده‌های سوگوار را تهدید کردند که اجساد عزیزانشان را در مکان‌های نامعلوم دفن خواهند کرد مگر اینکه آن‌ها سکوت کنند و محدودیت‌های شدید اعمال شده بر مراسم خاکسپاری و بزرگداشت را رعایت کنند. خانواده‌ها تحت فشار قرار گرفتند تا عزیزان خود را سریع، بدون تشریفات تدفین و تنها با حضور اعضای نزدیک خانواده با ممنوعیت شعار دادن دفن کنند. در بسیاری موارد، نیروهای امنیتی و اطلاعاتی در مراسم تدفین حضور داشتند. ماموران نیروهای امنیتی به خانه‌های خانواده‌ها یا قبرستان‌ها یورش بردند و اعضای خانواده قربانیان و دیگر سوگواران را با خشونت مجروح، دستگیر و بازداشت کردند.

۶۷. در چندین مورد، مقامات خانواده‌های معترضان را مجبور کردند تا «مصاحبه‌های» ویدئویی را ضبط کنند یا بیانیه‌هایی را امضا کنند با این محتوا که عزیزانشان توسط «اغتشاشگران» یا «گروه‌های مخالف» کشته شده‌اند. مقامات دولتی همچنین اعضای خانواده قربانیان را برای بازجویی احضار، دستگیر و بازداشت و به جرایم مبهم امنیت ملی متهم کرده، و آن‌ها را برای چنین جرایمی تحت پیگرد قضائی و محاکمه قرار دادند، با احکامی از جمله حبس و شلاق. مقامات دولتی همچنین برخی از اعضای خانواده قربانیان را مورد آزار و اذیت و ارباب قرار دادند تا آن‌ها را مجبور به تغییر تصاویر و کلمات حک شده بر روی سنگ مزار معترضان جان‌باخته کنند. قبرها آسیب دیدند، مخدوش یا تخریب شدند، تا هر نشانه‌ای از جنبش «زن، زندگی، آزادی» محو شود.

۶. سرکوب مرتبط با اعتراضات و حمایت از جنبش «زن، زندگی، آزادی»

الف- مبارزه زنان و دختران با قوانین حجاب

۶۸. از زمان مرگ در بازداشت خانم امینی، زنان و دختران به شکل فزاینده‌ای از قوانین حجاب اجباری سرپیچی کرده و بر ضد تبعیض جنسیتی عمیقاً ریشه‌دار در قانون و در عمل، به مبارزه پرداخته‌اند. براساس یافته‌های این کمیته، از مورخ آذر ۱۴۰۱ (ماه دسامبر ۲۰۲۲) مقامات دولتی تدابیر و اقدامات جدیدی جهت تشدید اجرای این قوانین و مقررات اتخاذ کرده‌اند که بر آزادی‌های بنیادینی همچون آزادی بیان، آزادی دین یا باور و تمامیت جسمانی زنان و دختران و همچنین بر حق دسترسی به تحصیل و درمان و امرار معاش آن‌ها تأثیر می‌گذارد. مجازات عدم رعایت قوانین حجاب، در گیرودار کارزار گسترده‌تری از آزار و اذیت، ایجاد رعب و وحشت، تحت اقدامات تجسسی قراردادن و خشونت در برخورد با زنان و دخترانی که به‌طور علنی به ضدیت با چنین هنجارهایی پرداخته‌اند و افرادی که به پشتیبانی از آن‌ها برخاسته‌اند، به‌ویژه مردان تشدید شده است.

۶۹. با وجود گزارش‌ها در آذر ۱۴۰۱ (دسامبر ۲۰۲۲) مبنی بر انحلال گشت ارشاد، که متعاقباً از سوی رسانه‌های رسمی دولت مورد تکذیب واقع شد، در ۲۶ تیر ۱۴۰۲ (۱۷ ژوئیه ۲۰۲۳)، سخنگوی فرماندهی نیروی انتظامی استقرار گشت‌های پیاده و سواره را اعلام و زنان و دخترانی که از قوانین حجاب اجباری پیروی نمی‌کنند را تهدید به «ارجاع آنان به قوه قضائیه» کرد. ماموران دولتی، از جمله اعضای نیروهای امنیتی، قوه قضائیه و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اکنون اطاعت از قوانین حجاب اجباری را اعمال می‌کنند. طی سال گذشته، با اعلام بافت پیچیده‌ای از اقدامات قانونی کیفری و بازدارنده برای به اجرا درآوردن حجاب اجباری، جهت استحکام بخشیدن به رعایت این قوانین، مسئولیت به اجرا درآوردن این قوانین به بخش خصوصی و شهروندان عادی تعمیم یافت.

۷۰. این تدابیر و اقدامات شامل معرفی لایحه‌ای جهت حمایت از خانواده با ترویج فرهنگ عفاف و حجاب است. این لایحه به طرح این اقدامات می‌پردازد: (الف) تشدید مجازات‌ها برای عدم رعایت قوانین حجاب و ترویج سرپیچی از این قوانین؛ (ب) تقسیم قدرت اجرایی در نهادهای متکثر کشور؛ (پ) مسئول کردن عاملین غیردولتی، هم برای اجرای این قوانین و هم اطاعت از آن‌ها؛ و (ت) تعمیم دادن تفکیک جنسیتی موجود به حوزه‌های مختلف، از جمله دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها و فضاها و اداره‌های دولتی. با وجود اینکه این لایحه شامل قواعد پوشش برای مردان نیز هست، اما هدف آن آشکارا زنان بوده و چارچوب قانونی از پایه تبعیض‌آمیز از قبل موجود ناظر بر حجاب اجباری برای زنان و دختران را تشدید می‌کند. با وجود اینکه این لایحه هنوز در روند به تصویب رسیدن است، مقامات حکومتی به نیروی پلیس دستور داده‌اند که منتظر تصویب آن نماند و بی‌درنگ به اجرای آن بپردازند. مقامات حکومتی اقدام به اعمال جریمه و بستن تعداد کثیری از کسب و کارها، از جمله کافه‌ها، رستوران‌ها، داروخانه‌ها، مطب‌های خصوصی پزشکان، آژانس‌های مسافرتی و شرکت‌های خصوصی به علت عدم پایبندی به قوانین حجاب اجباری نموده‌اند. قوانین و دستورالعمل‌های حجاب اجباری تبعات مضاعف و بی‌رویه‌ای برای زنان به حاشیه‌رانده شده از لحاظ اجتماعی-اقتصادی به‌همراه دارند، به خصوص به علت تحمیل جریمه‌های گزاف برای عدم رعایت این قوانین.

۷۱. مقامات دولتی در بهمن ۱۴۰۱ (فوریه ۲۰۲۳) دست به تقویت و تشدید اقدامات مرتبط با شناسایی و مجازات زنان و دختران به علت عدم رعایت قوانین حجاب اجباری زدند، از جمله با گسترش استفاده از دوربین‌های مدار بسته در فضاهای عمومی، اقدامی که از سوی بالاترین سطوح دولت تائید و بر آن صحنه گذاشته شد.^{۱۴} مسئولین کشور به اشخاصی که از این قوانین سرپیچی می‌کنند اخطار دادند که با «محرومیت‌های اجتماعی»^{۱۵} مواجه خواهند شد. از سوی دادستانی کشور به نیروهای انتظامی دستور داده شد تا «با قاطعیت با کشف حجاب زنان و دختران برخورد شود».^{۱۶} زنانی که به هنگام رانندگی، یا در داخل خودرو، حجاب نداشته‌اند پیامک‌های اخطار در مورد مجازات‌های عدم رعایت حجاب دریافت کرده‌اند، از جمله، هشدار در ارتباط با توقیف خودرویشان، پرداخت جریمه، ابطال کارت ملی آنان و محرومیت از خدمات اجتماعی، از جمله خدمات بانکی.^{۱۷} در تاریخ ۲۴ خرداد ۱۴۰۲ (۱۴ ژوئن ۲۰۲۳) سخنگوی نیروی انتظامی اعلام کرد که از ۵ اردیبهشت ۱۴۰۲ (۲۵ آوریل ۲۰۲۳) نیروی انتظامی ۹۹۱۱۷۶ پیامک اخطاردهنده به زنانی که ادعا شده به هنگام گرفته شدن تصاویرشان در خودرو توسط دوربین‌ها بی‌حجاب بوده‌اند و ۱۳۳۱۷۴ پیامک برای الزام خواباندن خودرو ارسال کرده است؛ ۲۰۰۰ عدد خودرو مصادره کرده؛ و بیش از ۴۰۰۰ مورد ادعا شده تکرارکنندگان تخلف را به قوه قضائیه ارجاع داده است. او در این بیانیه همچنین اشاره کرد که نیروی انتظامی ۱۰۸۲۱۱ مورد تخلف ادعا شده قوانین حجاب اجباری در مورد کسب و کارها را گزارش کرده و ۳۰۱ متخلف ادعا شده را شناسایی و به قوه قضائیه ارجاع داده است.^{۱۸} مقامات کشور همچنین به صورت علنی به زنان و دختران هشدار داده‌اند که در صورت تخلف از قوانین و مقررات حجاب اجباری از تحصیل^{۱۹} و خدمات درمانی محروم می‌شوند.^{۲۰} زنان دانشجو به علت خودداری از رعایت حجاب اجباری از دانشگاه‌ها و خوابگاه‌ها تعلیق و اخراج شده‌اند، در حالی که برخی دیگر تهدید به گرفتن نمرات صفر یا ممنوعیت از حضور در جلسات امتحانات پایانی شده‌اند. در مهرماه ۱۴۰۲ (اکتبر ۲۰۲۳)، در استان مازندران، پروانه پزشکی یک زن پزشک پس از ظاهر شدن بدون حجاب اجباری در مراسم اعطای یک جایزه دولتی، باطل شد.^{۲۱} دادگاه‌ها برای زنان و دخترانی که حجاب اجباری را رعایت نمی‌کنند قابل دسترسی نیستند و این امر بر دسترسی آن‌ها بر عدالت تاثیر می‌گذارد. یک اپلیکیشن موبایل به نام «ناظر» توسط نیروی پلیس توسعه یافته تا ماموران امنیتی و داوطلبانی که برای این کار سنجش شده‌اند، به وسیله آن بتوانند زنان متخلف قوانین حجاب اجباری را گزارش دهند. مقامات حکومتی پیش از این جهت گزارش دادن متخلفین قوانین حجاب اجباری یک خط تلفن و خدمات پیغام‌گذاری برای عموم مردم را راه‌اندازی کرده بودند.

۷۲. موارد دستگیری‌های خشونت‌آمیز، همگون با الگوهای محرز خشونت علیه زنان و دخترانی که در مکان‌های عمومی قوانین حجاب اجباری را به چالش می‌کشند، همچنان گزارش می‌شود. کمیته احراز کرد که اعمال شکنجه تجویز شده توسط حکومت و مجازات‌های غیرانسانی و تحقیرآمیز نظیر شلاق، اجبار به شستشوی اموات و ارجاع برای روان‌درمانی به‌عنوان اشکال مجازات برای عدم رعایت قوانین حجاب اجباری ادامه پیدا کرد.

^{۱۴} <https://www.mehrnews.com/news/5811295/>

^{۱۵} <https://www.setaresobh.ir/fa/Main/Detail/94860>

^{۱۶} <http://www.isna.ir/news/1401102013051/>

^{۱۷} <http://www.khabaronline.ir/news/1727083>

^{۱۸} <https://www.armanmeli.ir>

^{۱۹} <http://www.iribnews.ir/fa/news/3804380/>

^{۲۰} <http://www.isna.ir/news/1402011405203/>

^{۲۱} [/https://www.farsnews.ir/mazandaran/news/14020804000524](https://www.farsnews.ir/mazandaran/news/14020804000524)

۷۳. در تاریخ ۹ مهر ۱۴۰۲ (۱ اکتبر ۲۰۲۳)، گزارش شد که یک زن جوان دانش‌آموز، به نام آرمیتا گراوند در پی مشاجره‌ای با حجاب‌بان‌ها در داخل واگن مترو، هل داده شد و به کما رفته است. در تاریخ ۶ آبان ۱۴۰۲ (۲۸ اکتبر) رسانه‌های دولتی علت مرگ او را افتادن و زمین خوردن ناشی از افت فشارخون اعلام کردند. در اقداماتی که یادآور پرونده خانم امینی بود، مقامات کشور دست به اعمالی زدند تا دلایل و شرایط منجر به مرگ خانم گراوند را پنهان و ابهام‌آلود کنند، از جمله با دستگیری و محکوم کردن روزنامه‌نگارانی که در رابطه با این حادثه خبررسانی کردند. خانم گراوند به بیمارستان نظامی فجر در تهران منتقل شد و بنا بر گزارش‌ها، نیروهای امنیتی در آنجا به مادر و پدرش اجازه دسترسی به وی را ندادند. مسئولین کشور نه فیلم داخل واگن مترو را منتشر کردند و نه هیچ یک از گزارش‌های پزشکی را. در طول مراسم خاکسپاری وی در تهران در تاریخ ۷ آبان ۱۴۰۲ (۲۹ اکتبر ۲۰۲۳)، بنا بر گزارش‌ها، نیروهای امنیتی حاضر، سوگواران را مورد اذیت و آزار و ارباب قرار دادند و چندین زن، از جمله نسرين ستوده، از وکلای برجسته حقوق بشر که در این خاکسپاری حضور داشت را به علت نداشتن حجاب اجباری دستگیر کردند. به تشخیص این کمیته حکومت وظیفه خود مبنی بر انجام تحقیق در مورد مرگ خانم گراوند، و در صورت احراز نقض حقوق، پیگرد قضائی مسئولین این واقعه، چه در مورد ماموران دولتی، چه در مورد نهادها و افراد خصوصی، را انجام نداده است. تحقیقات کمیته حقیقت‌یاب در مورد علت (علل) مرگ خانم گراوند ادامه دارد.

ب - دانش‌آموزان-دانشجویان، آموزگاران مدارس-اساتید دانشگاه‌ها

۷۴. دانشجویان، اساتید و کارکنان دانشگاه‌ها به طور انفرادی و جمعی نیرویی پیشبرنده در اعتراضات را تشکیل دادند. اعتراضات در تعدادی از دانشگاه‌ها در تهران، در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۴۰۱ (۱۸ سپتامبر ۲۰۲۲) آغاز شد. ظرف چندین روز، دانشجویان ۱۱۱ دانشگاه، تحریم کلاس‌ها را اعلام کردند. دانش‌آموزان در راه مدرسه و خانه راهپیمایی کردند و به رقص‌هایی طراحی شده و خواندن سرودها و ترانه‌های اعتراضی پرداختند.

۷۵. کمیته حقیقت‌یاب، الگوهای از ارتکاب بی‌رحمی شدید در برخورد با دانشجویان و دانش‌آموزان، از جمله کشتن، دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه و بدرفتاری، تعلیق یا اخراج از برنامه‌های تحصیلی دانشگاهی، اخراج از خوابگاه‌ها و ارباب و اذیت و آزار نظاممند، احراز کرده است. بنا بر اطلاعات معتبر، دانشجویان و دانش‌آموزان در ۳۰ استان ایران دستگیر و بازداشت شدند؛ با اکثریت دستگیری‌ها در تهران و در مناطقی با بیشترین جمعیت اقلیت‌های اتنیک. این کمیته اطلاعات معتبری درباره ۸۱۷ مورد از دانشجویان، از جمله زنان دانشجویی که در ارتباط با اعتراضات دستگیر و بازداشت شده‌اند را به‌دست آورده و تعدادی از موارد دستگیری جمعی دانشجویان را احراز کرده است.

۷۶. مدارس، دانشگاه‌ها و خوابگاه‌های دانشجویان مورد تهاجم نیروهای امنیتی قرار گرفتند و با باتوم و شوکر الکتریکی به دانشجویان حمله شد. دانشجویان با گاز اشک‌آور و شلیک یکسره سلاح‌های گرم مواجه شدند. یک نمونه نمادین از این موارد سرکوب در ارتباط با اعتراضات دانشگاه صنعتی شریف در تهران در تاریخ ۱۰ مهر ۱۴۰۱ (۲ اکتبر ۲۰۲۲) رخ داد: نیروهای بسیج و ماموران لباس‌شخصی به دانشگاه هجوم آوردند و از دروازه ورودی شروع به شلیک با شاتگان، گاز اشک‌آور، گلوله‌های پلاستیکی و پینتبال کردند و دست به ضرب و شتم و دستگیری جمعی دانشجویان و همچنین هیئت علمی و پرسنل دانشگاه زدند.

۷۷. در فروردین ۱۴۰۲ (آوریل ۲۰۲۳) شورای ملی اتحادیه‌های دانشجویان گزارش داد که بیش از ۴۳۵ تن از دانشجویان دانشگاه‌های کشور به علت شرکت در اعتراضات سراسری از دانشگاه‌ها تعلیق یا اخراج شده‌اند. برخی دیگر از دانشجویان از ترس انتقام‌جویی مقامات امنیتی ترک تحصیل کردند. در مهر ۱۴۰۲ (اکتبر ۲۰۲۳)، یک کانال خبری متعلق به دانشجویان دانشگاه‌ها، فهرستی از ۲۸۴۳ تن از دانشجویانی که به علت انگاشته‌شده نقششان در اعتراضات به کمیته‌های انضباطی احضار شده بودند را منتشر کرد.

۷۸. بسیاری از آموزگاران و سرپرست‌های اتحادیه‌های صنفی معلمان به علت مشارکت در اعتراضات متهم به جرایم جدی مرتبط با امنیت ملی شدند. این کمیته همچنین الگوی تعلیق و اخراج از کار در روندهایی غیرشفاف، بازنشستگی اجباری، قطع حقوق و سایر اقدام‌های خودسرانه تلافی‌جویانه علیه آموزگاران، اساتید و هیئت‌علمی به علت مشارکتشان در اعتراضات و سرپیچی از قانون حجاب اجباری دست‌یافته است. بنابر اطلاعات معتبر، مقامات حکومتی طی اقداماتی تنها به نگاه‌داشتن و

استخدام کارکنان کادر علمی وفادار به جمهوری اسلامی پرداخته^{۲۲} و سایرین، از جمله آن‌هایی که در فعالیت‌های صنفی و سازمان‌های جامعه مدنی مشارکت داشته‌اند را حذف نموده‌اند.

۷۹. در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۴۰۲ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۳) وزیر آموزش و پرورش اعلام کرد که در سال ۱۴۰۲ (۲۰۲۳) تقریباً ۲۰۰۰۰ نفر از مدیران مدارس «برای ایجاد تحول در مدارس تغییر کردند»^{۲۳} و مورخ ۷ آبان ۱۴۰۲ (۲۹ اکتبر ۲۰۲۳) رسانه‌های ایران گزارش دادند که دانشگاه‌ها تحت یک روند «خالص‌سازی» هستند و در نتیجه این روند، شماری از اعضای هیئت علمی و مدیران مدارس برکنار یا اخراج شده‌اند و این روند ادامه خواهد یافت.^{۲۴}

پ- وکلا

۸۰. وکلایی که دفاع از افرادی که با اتهامات مرتبط با اعتراضات روبرو بودند را برعهده گرفتند، یا به طور علنی همبستگی خود را با معترضان ابراز کردند، مورد اقدامات تلافی جویانه‌ای از قبیل ارباب از طریق احضار و پاسخگویی به پرسش‌های نهادهای اطلاعاتی، تهدید به تعلیق پروانه و تعلیق آن، دستگیری و بازداشت، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها و همچنین تعقیب کیفری واقع شدند.

۸۱. کمیته احراز کرد که مقامات دولتی، وکلا را در ارتباط با فعالیت حرفه‌ای‌شان، یعنی نمایندگی از موکلینشان، از جمله در ارتباط با ارائه خدمات و کمک حقوقی به معترضان و خانواده‌هایشان، محکوم کردن شکنجه و بدرفتاری با موکلینشان؛ ابراز عقایدشان از جمله در مورد همبستگی با اعتراضات، و انجام مصاحبه با رسانه‌های خبری، دستگیر، بازداشت و متهم کرده و تحت پیگرد قضائی قرار دادند. بنا بر اطلاعات معتبر، از شهریور ۱۴۰۱ (سپتامبر ۲۰۲۲) ۱۵۷ وکیل که ۵۷ تن از آن‌ها دستگیر شدند، با اشکال مختلف آزار و اذیت قضائی مواجه شده‌اند. مقامات دولتی، کانون وکلا را با درخواست اتخاذ تدابیر و اقدامات انضباطی علیه شمار زیادی از وکلا، تحت فشار فزاینده قرار دادند و دادگاه‌های انقلاب و کیفری وکلا را ممنوع الوکالت کردند. همچنین مقامات دولت، قوانین جدیدی را جهت تحلیل استقلال کانون وکلا معرفی کرده‌اند که بانی دخالت حکومت و قوه قضائیه در مسائلی مانند صدور پروانه‌های وکالت و نظارت بر وکلا می‌گردد.

۸۲. در مصاحبه با این کمیته، وکلا به تکرار، از مواجه شدن با پیگرد قضایی به علت دفاع از معترضان، ابراز نگرانی کرده‌اند. شماری از وکلا به علت آزار و اذیت قضائی مجبور به ترک کشور شده‌اند. دوتن وکیل زن مدت کوتاهی پس از بازداشت مرتبط با حرفه خود، در ارتباط با اعتراضات، جان خود را از دست دادند.

ت - روزنامه‌نگاران

۸۳. این کمیته یافته است که بیش از ۱۰۰ تن از روزنامه‌نگاران و کارکنان رسانه‌های خبری توسط مقامات دولت، فقط به علت پوشش اعتراضات و گزارش تحقیقاتی در این ارتباط، به دلیل منتشر کردن عقایدشان، انعکاس دادن صدای معترضان یا به علت ارائه تریبونی به قربانیان اعتراضات و اعضای خانواده‌هایشان، دستگیر و بازداشت شده، تحت پیگرد کیفری قرار گرفته و محکوم شده‌اند. سازمان‌های غیردولتی از آمار دستگیری ۳۱ روزنامه‌نگار زن در طی اعتراضات گزارش داده‌اند.

۸۴. به علاوه این کمیته به این نتیجه رسید که مقامات حکومت به آزار و اذیت و تهدید و ارباب روزنامه‌نگاران و کارمندان رسانه‌های خبری خارج از کشور از جمله کارکنان سرویس بی‌بی‌سی فارسی، تلویزیون ایران اینترنشنال، صدای امریکا، ایران وایر و دویچه‌وله پرداخته‌اند. مقامات ایران در تلاشی جهت فشار آوردن به روزنامه‌نگاران و کارکنان رسانه‌ها و مانع شدن از خبررسانی آن‌ها در مورد کشور، اعضای خانواده‌های آن‌ها را احضار و تهدید و در برخی موارد دستگیر، بازداشت و متهم کردند. در ۲۷ مهر ۱۴۰۱ (۱۹ اکتبر ۲۰۲۲)، وزارت امور خارجه ایران، سرویس بی بی سی فارسی و تلویزیون ایران اینترنشنال را تحریم و دارائی کارکنان آن‌ها را مسدود کرد. روزنامه‌نگاران همچنین تهدیدهای جدی دریافت کردند، از جمله

^{۲۲} <https://www.entekhab.ir/fa/news/739805>

^{۲۳} <https://www.isna.ir/news/1402063019032/>

^{۲۴} <https://www.etemadonline.com/>

تهدیدهای جانی و مرتبط با امنیت شخصی که در برخی کشورها منجر به دخالت پلیس شد. روزنامه‌نگاران، به ویژه زنان روزنامه‌نگار، به صورت آنلاین، در معرض توهین و افترا و آزار و اذیت و حملات فزاینده‌ای قرار گرفتند.

ث- سایر گروه‌های هدف قرار گرفته

۸۵. کمیته احراز کرد که گروه‌هایی دیگر از جمله مدافعان حقوق بشر، هنرمندان و ورزشکاران، تاثیرگذاران یا اینفلوئنسرها، و شهروندان خارجی و دو تابعیتی نیز به علت حمایت از جنبش «زن، زندگی، آزادی» مورد هدف قرار گرفتند. بررسی کامل این مقوله در «گزارش اتاق کنفرانس» موجود است.

ج - ارباب و انتقام‌جویی علیه دختران دانش‌آموز: مسمومیت در مدارس

۸۶. در تاریخ ۹ آذر ۱۴۰۱ (۳۰ نوامبر ۲۰۲۲)، دو ماه پس از آغاز اعتراضات سراسری در کشور، نخستین موارد مسمومیت در مدارس، در شهر مقدس قم گزارش شد. طبق این گزارش‌ها، در این شهر ۱۸ دختر دانش‌آموز از هنرستان نور، به علت بروز مشکلات تنفسی، سرگیجه و حالت تهوع به بیمارستان منتقل شدند. در طی ماه‌های بعدی، گزارش مسمومیت در مدارس در قم و سایر استان‌ها ادامه پیدا کرد که تا ماه اسفند ۱۴۰۱ (مارس ۲۰۲۳) ۲۰ سیر فزاینده داشت و سپس در پاییز ۱۴۰۲ (۲۰۲۳) روبه کاهش نهاد؛ با ثبت متاخرترین گزارش در آبان ۱۴۰۲ (نوامبر ۲۰۲۳).^{۲۶} مقامات دولتی تصدیق کردند که هزاران کودک دانش‌آموز، به ویژه دختران، متأثر از مسمومیت شدند.^{۲۷}

۸۷. به علت فاصله زمانی نزدیک این وقایع با اعتراضات و مشارکت بسیار فعالانه دختران دانش‌آموز در این اعتراضات، و گزارش‌هایی مبنی بر این که مسمومیت در مدارس تلاشی در جهت سرکوب مقاومت، القای ترس در و تنبیه این کودکان، به ویژه در مورد دختران و خانواده‌هایشان به علت نقش آن‌ها در اعتراضات بوده است، کمیته به تحقیق در مورد این وقایع که از ماهیتی بی‌سابقه برخوردارند پرداخت. منابع پزشکی و سایر منابع حاکی از این هستند که اگرچه علائم ناشی از این مسمومیت‌ها موقتی بوده‌اند (چندین ساعت تا چندین روز)، امکان عوارض جانبی درازمدت را نمی‌توان منقوی دانست.

۸۸. بر اساس اطلاعات مورد بررسی، از جمله بر مبنای واکنش مسئولین نسبت به این مسمومیت‌ها، کمیته به چندین نتیجه و تشخیص قانونی رسیده است، اگرچه، کمیته در رابطه با ماهیت مواد ایجادکننده علائم مسمومیت در کودکان دانش‌آموز متأثر از این وقایع، به نتیجه‌گیری نرسیده است.

۸۹. به علت توضیحات متناقض مسئولین، در رابطه با گزارشات مرتبط با مسمومیت‌ها شفافیتی وجود نداشت. اطلاعات معتبر حاکی از آن است که به قربانیان و خانواده‌هایشان اجازه دسترسی به اطلاعات درباره عوامل مسمومیت داده نشده. گزارش‌ها و بیانیه‌های تحقیقات خود دولت، اشاره‌های مختلفی به نیترژن، «بمبک بدبو»، گاز اشک‌آور و اسپری فلفل یا وجود یک «عامل بدبو» در داخل یا در اطراف مدارس شده است، اگرچه در این گزارشات اشاره می‌شود که مواد «سمی» نبوده‌اند. در عین حال، مسئولین این وقایع را «شایعه»^{۲۸} یا نتیجه «هیستری جمعی» خواندند، که این امر نشانگر جدی تلقی نکردن این حوادث از سوی آن‌ها بود.

۹۰. کمیته این امر را محتمل می‌یابد که مسمومیت‌های مدارس به قصد ارباب یا تنبیه دختران دانش‌آموز به علت شرکتشان در جنبش «زن، زندگی، آزادی» یا بازداشتن آن‌ها از مبارزه با قوانین حجاب اجباری ارتکاب یافته باشد. این نتیجه‌گیری بر مبنای فاصله زمانی و ماهیت بی‌سابقه و مقیاس وسیع این وقایع و رخ دادن آن‌ها عمدتاً برای دخترها درست در زمانی که مسئله حق زنان و دختران بر برابری محور گفتمان عمومی بوده، است. نامحتمل به نظر می‌رسد که مسمومیت‌ها در مدارس با چنان مقیاسی، بدون شکلی از مداخله دولت ارتکاب یافته باشد. از این رو، کمیته احراز کرد که حق دسترسی بر تحصیل، حق بر سلامت و دسترسی به اقدامات جبرانی موثر نقض شده است.

^{۲۵} ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران، «دومین گزارش روشنگرانه در مورد مسمومیت ادا شده دانش‌آموزان در جمهوری اسلامی ایران»، اردیبهشت ۱۴۰۲

^{۲۶} <https://www.mehrnews.com/news/5930549/>

^{۲۷} <https://www.etemadonline.com/>

^{۲۸} وزارت اطلاعات: «در مدارس هیچ مواد سمی پیدا نشد»، تهران تایمز، ۹ اردیبهشت ۱۴۰۲

۷. وضعیت اقلیت‌های اَتنیکی و دینی در بستر اعتراضات

۹۱. جان‌باختن خانم امینی طیف وسیعی از واکنش‌ها را در میان جوامع اقلیت‌های اَتنیکی و دینی کشور برانگیخت. هویت کرد وی و شعار «ژن، ژیان، نازادی» یا «ژن، زندگی، آزادی»، فریاد جمعی بود برای گروه‌های اَتنیکی در سرتاسر کشور برای به منصفه ظهور رساندن رنج‌ها و نارضاایتی‌های دیرینه‌اشان مبتنی بر تبعیض و به‌حاشیه‌راندن‌شدن ساختاری در قانون و در عمل.

۹۲. بلافاصله پس از مراسم خاکسپاری خانم امینی، اعتراضات در شهر وی، سقز آغاز شد و سپس به مناطق با جمعیت اَتنیکی از جمله خوزستان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، کرمانشاه، کردستان، لرستان، ایلام و سیستان و بلوچستان گسترش یافت. شهر زاهدان در سیستان و بلوچستان و شهرهای سنندج، سقز و مریوان در کردستان و شهر مهاباد در آذربایجان غربی کانون‌های جنبش اعتراض شدند. بیش از یکسال پس از آغاز اعتراضات، مردم در زاهدان به طور مرتب به تجمع و اعتراض، به ویژه پس از نماز جمعه، ادامه می‌دهند.

۹۳. کمیته احراز کرد که اقلیت‌های اَتنیکی و دینی و سایر اقلیت‌ها، به ویژه کردها و بلوچ‌ها که عمدتاً سنی هستند، به طور مضاعف و بی‌رویه تحت تاثیر واکنش حکومت به اعتراضات قرار گرفتند. در نخستین روزهای اعتراضات، دولت جنبش «ژن، زندگی، آزادی» را به منزله خیزشی جدائی‌طلبانه که وحدت ملت را مورد تهدید قرار می‌دهد به تصویر کشید و گروه‌های تجزیه طلب را مقصر دانست. این کمیته یافته است که مقامات حکومتی در مناطق با جمعیت اقلیت پیوسته چنین الفاظی را علیه معترضان متعلق به اقلیت‌های اَتنیکی تکرار کردند، از جمله در طول بازداشت، زمانی که آن‌ها را بر مبنای مذهب و هویت اَتنیکی‌شان «تروریست» و «خشن» نامیدند.

۹۴. نیروهای امنیتی شمار بالایی از معترضان – خصوصاً نسبت به جمیتشان در مقایسه با سایر نقاط کشور – را در مناطق با جمعیت عمدتاً متعلق به اقلیت‌ها کشته و مجروح کردند، از جمله در چندین شهرستان و شهر اکثراً واقع در مناطق کردنشین همچون مهاباد، سنندج، جوانرود^{۲۹} و پیرانشهر.

۹۵. در واکنش به اعتراضات در مناطق اقلیت‌ها، به ویژه در استان سیستان و بلوچستان و مناطق با ساکنین عمدتاً کرد، حکومت متوسل به سلاح‌ها و تجهیزات نظامی مرگبار که اکثراً توسط نیروهای مسلح استفاده می‌شوند، شد.

۹۶. «جمعه خونین» در تاریخ ۸ مهر ۱۴۰۱ (۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲) در زاهدان نمادین‌ترین واقعه است. اعتراضات در زاهدان به علت تجاوز به یک دختر بلوچ، بنابر گزارش‌ها توسط رئیس پلیس شهر چابهار، جرقه خورد. مقامات تعداد زیادی از نیروهای امنیتی را بر ساختمان‌های نزدیک مصلاهای بزرگ زاهدان و میدان‌ها و خیابان‌های اطراف آن مستقر کردند. تقریباً زمان نماز ظهر، نیروهای امنیتی با تفنگ‌های جنگی کلاشنیکف آتش‌گشودند و از پاسگاه پلیس روبروی مصلا، مردم عادی و غیرنظامی را هدف گرفتند. طبق اطلاعات معتبر، ۱۰۳ تن نمازگزار، معترض و رهگذر با سلاح‌های جنگی کشته و ۳۵۰ تن مجروح شدند.

۹۷. این کمیته احراز کرد که روش‌های شکنجه اقلیت‌های اَتنیکی و دینی بازداشتی در طول بازجویی یا اعمال شده به قصد مجازات و تنبیه معترضین، از شدت و بی‌رحمانگی خاصی برخوردار بوده‌اند. زنان این اقلیت‌ها مورد خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت، از جمله تجاوز، قرار گرفتند و بر مبنای هویت بلوچی یا کردی یا به علت سنی بودن تحقیر شدند.

۹۸. کمیته همچنین تاثیر اعتراضات بر اقلیت‌های اَتنیکی و مذهبی دیگر را مورد بررسی قرار داده که در «گزارش اتاق کفرانس» به آن پرداخته شده است.

^{۲۹} سازمان حقوق بشر هنگا، #مهسا امینی، #ژینا امینی، #انقلاب ایران ۱۴۰۱، ۳۰ آبان ۱۴۰۱، قابل دسترس در این لینک به زبان فارسی <https://twitter.com/i/status/1594675897617076226>

۸. فضای دیجیتال و اعتراضات

۹۹. در طول اعتراضات، مقامات ایران محدودیت‌هایی بر اینترنت و پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی اعمال کردند و از اقدامات تجسسی و نظارت آنلاین در جهت مختل کردن و مانع‌شدن از اعتراضات استفاده کردند.

۱۰۰. کمیته الگویی از قطع اینترنت و مسدود کردن پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی و خدمات ارسال پیام همزمان و در محل اعتراضات را احراز کرد. طبق اطلاعات معتبر، اختلالات اینترنت با آغاز اعتراضات از ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ (۱۷ سپتامبر ۲۰۲۲)، عمدتاً در مناطق اقلیت‌های اتنیکی شروع شد. در زاهدان، ارتباط اینترنتی در ۸ مهر ۱۴۰۱ (۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲) در طول «جمعه خونین» قطع شد. چنین اختلالات اعمال شده در سطح محلی به شکل نظام‌مند تا سال ۲۰۲۳، همزمان با نمازهای جمعه در زاهدان ادامه پیدا کرد.

۱۰۱. حتی اگر برای تحمیل مواردی از قطع اینترنت مورد تحقیق کمیته دلایلی مشروعی چون جلوگیری از تحریک به خشونت وجود داشته، این موارد قطعی اینترنت انطباقی با اصل قانونی بودن، ضرورت، تناسب و عدم تبعیض نداشته است. قطعی اینترنت در بخش‌های وسیعی از کشور و طی دوران‌های طولانی، یا در منطقه‌ای خاص به شکل منظم اعمال شد. محدودیت‌های اعمال شده معادل با قطعی اینترنت بود که برای تحصیل یک هدف مشروع ضروری نبود. با توجه به تأثیرات وسیع و بی‌قاعده این محدودیت‌ها و اختلالات اینترنت، از جمله بر امرار معاش بخش وسیعی از جمعیت، به ویژه زنانی که درآمدشان بسته به فعالیت‌های اقتصادی وابسته به اینترنت بوده‌است، قطعی اینترنت بی‌قاعده بوده و ابزاری با کمترین میزان مداخله برای تحقق هدفی مشروع محسوب نمی‌شود.

۱۰۲. در پی تلاش‌های ادامه‌دار برای ایجاد یک ساختار اینترنت ملی، چارچوب قانونی داخلی کشور به طیف وسیعی از نهادهای امنیتی دولتی اجازه کنترل و نظارت مهارنشده بر دسترسی مردم به فضای مجازی و همچنین بر تنظیم محتوا می‌دهد.

۱۰۳. مقامات کشور اقدام به تهدید، ارعاب، احضار و دستگیری اشخاص در ارتباط با انتشار محتوای مربوط به اعتراضات در رسانه‌های اجتماعی کردند. چنین محتوایی شامل پیام‌های همبستگی با معترضان، گزارش خشونت‌های اعمال شده از سوی دولت، تصاویر منتشر شده از سوی معترضان مجروح و ارائه کمک‌های حقوقی و پزشکی برای معترضان و خانواده‌هایشان بود. مقامات کشور محتوای منتشر شده در رسانه‌های اجتماعی را به عنوان مدرک اثبات اتهامات کیفری همچون «تبلیغ علیه نظام»، «نشر اکاذیب»، و «توهین به رهبری» استفاده کردند. محتوای حساب‌های شخصی اینستاگرام در طول روندهای کیفری به عنوان مدرک اتهاماتی که مجازات‌های سنگینی را حمل می‌کنند، از جمله مجازات اعدام استفاده شد. لایحه حجاب و عفاف نیز بیان آنلاین عقاید انتقادمیز در مورد حجاب اجباری را جرم‌انگاری می‌کند.

۱۰۴. به نظر می‌رسد که مقامات کشور، اگر به شکل فعالانه در هتک حیثیت و کارزارهای بدنام کردن و سایر اشکال موهن آزار و اذیت آنلاین، به ویژه در مورد زنان و سایرین، از جمله، جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کی‌وی‌ای‌پلاس به علت حمایت یا مشارکت این افراد در اعتراضات شرکت نکرده باشند، حداقل چنین رفتارهایی را نادیده گرفته‌اند. از این رو، مقامات کشور تعهد خود بر محافظت از و تأمین حقوق آزادی بیان و حریم خصوصی را انجام نداده‌اند.

۹. پاسخگو نگاه داشتن مسئولین ارتکاب نقض حقوق بشر

الف- نقض حقوق بین الملل بشر

۱۰۵. کمیته بر مبنای «دلیل معقول» احراز کرد که موارد جدی نقض حقوق بشر توسط مقامات کشور ایران، در بستر اعتراضات آغاز شده در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ (۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲)، ارتکاب یافته‌اند. این موارد نقض حقوق بشر عبارتند از: نقض حق حیات، حق آزادی از شکنجه و بدرفتاری، حق دسترسی به امنیت و آزادی‌های فردی، حق دسترسی به دادرسی‌های عادلانه، حق دسترسی به اقدامات جبرانی موثر، حق آزادی دین و عقیده، حق بیان، تجمعات مسالمت‌آمیز و تشکل، حق حفظ حریم خصوصی، حق بر سلامت، حق بر تحصیل، و حق امرار معاش و کار.

۱۰۶. کمیته احراز کرد که حق بر تساوی حقوق و عدم تبعیض جنسی و مبتنی بر جنسیت، سن، دین یا باور، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، نقض شده است. موارد نقض حقوق زنان و کودکان و نیز اقلیت‌های اقلیتی و دینی، به‌ویژه از شدت بیشتری برخوردار بوده‌اند.

۱۰۷. کمیته به این نتیجه رسید که جمهوری اسلامی ایران مرتکب سلسله اعمالی گسترده، پیوسته و ادامه‌دار شده است که به طور فردی مصداق موارد نقض حقوق بشر با هدف گیری مستقیم زنان، دختران و مدافعان برابری جنسیتی و حقوق زنان و دختران بوده و در مجموع، بر اساس ارزیابی این کمیته، مصداق «تعقیب و آزار مبتنی بر جنسیت» در بستر اعتراضات و سرکوب حقوق بنیادین مرتبط با آن است. کمیته احراز کرد که «تعقیب و آزار مبتنی بر جنسیت»، به پشتوانه یک نظام ساختاری و نهادینه‌شده اعمال تبعیض علیه زنان و دختران و جداسازی آنان ارتکاب یافته است. زنان و دختران ایران به شدت از طیف گسترده‌ای از حقوق بنیادین خود از جمله حق حیات، حق آزادی از شکنجه، حق بیان، حق آزادی دین، حق مشارکت در زندگی عمومی، حق خودمختاری و تمامیت جسمانی، حق بر تحصیل و آموزش و حق دسترسی به خدمات درمانی محروم شده‌اند. علاوه بر این، در پیاده کردن سیاست حکومتی، نیروهای امنیتی به رفتارهای در راستای تعقیب و آزار، از جمله تجاوز و سایر اشکال خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت، به قصد تبعیض علیه زنان و دختران و مردان و پسرانی که از مطالبه برابری جنسیتی حمایت کرده‌اند و افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیوآی‌پلاس به قصد اجبار به سکوت و بازداري و مجازات معترضان و حامیان‌شان، متوسل شده‌اند. مقامات کشور از طریق اقدامات خشونت‌آمیز از جمله قتل، حبس، شکنجه، تجاوز و سایر اشکال خشونت جنسی قوانین تبعیض‌آمیز را اجرا کرده‌اند. زنان و دختران به علت وجود اشکال چندگانه تبعیض مبتنی بر عقاید سیاسی یا سایر عقاید، هویت اقلیتی، سابقه اقتصادی-اجتماعی، گرایش جنسی یا هویت جنسیتی مورد خشونت‌های مضاعف نیز قرار گرفته‌اند.

ب. جنایات تحت قانون بین‌المللی

۱۰۸. کمیته همچنین احراز کرده است که بسیاری از موارد جدی نقض حقوق بشر که در گزارش حاضر تصریح شده‌اند، مصداق جنایات علیه بشریت، به ویژه جرایم قتل، حبس، شکنجه، تجاوز و سایر اشکال خشونت جنسی، آزار و تعقیب، ناپدیدسازی‌های قهری و سایر اعمال غیرانسانی بوده که به عنوان بخشی از یک حمله گسترده و سازمان‌یافته علیه جمعی از غیرنظامیان، یعنی زنان و دختران و سایر افراد حامی حقوق بشر، ارتکاب یافته‌اند. ارتکاب چنین جنایاتی در بستری از سلب حقوق بنیادین قربانیان که با قصد اعمال تبعیض ارتکاب یافته و تشدید شده، کمیته را به این نتیجه‌گیری می‌رساند که جنایت علیه بشریت «تعقیب و آزار مبتنی بر جنسیت» ارتکاب یافته است. از نظر کمیته تعقیب و آزار مبتنی بر جنسیت با تبعیض مبتنی بر هویت اقلیتی و مذهبی در هم‌تنیده است.

۱۰۹. این کمیته بر اساس بررسی عناصر منتهی لازم جهت تشخیص جنایات علیه بشریت، در سایه رویه قضایی بین‌المللی، نتیجه گرفته است که حمله علیه جمعی از غیرنظامیان، همانطور که در بالا تشریح شد، به طور «گسترده» ارتکاب یافته است. این بر اساس تعداد و کثرت قربانیان، طیف وسیع مکانی که قربانیان در آن یافت شدند، و به‌ویژه رواج این حملات در سراسر کشور پیرو و الگوهای تکراری نقض حقوق بشر مصداق جرایم بوده است. کمیته در ادامه نتیجه‌گیری می‌کند که به علت ماهیت نظام‌مند جنایات و نامحتمل بودن رخدادن تصادفی آن‌ها، این حمله «سازمان‌یافته» بوده است. ارتکاب جنایات از سوی مأمورین دولت، نه به صورت اتفاقی بوده، نه خودجوش و در انزوا، بلکه این جنایات به عنوان بخشی از الگوی یک رفتار سازمان‌یافته در پیروی از دستورات و با تشویق و حمایت مقامات عالی رتبه حکومت و اعضای ارشد نهادهای کشوری و توسط شمار بسیاری از مرتکبین به صورت عینی ارتکاب یافته‌اند.

۱۱۰. در رابطه با عنصر قانونی که موارد نقض حقوق بشر باید در پیرو یا در راستای پیشبرد یک سیاست دولتی یا سازمانی ارتکاب یافته باشند، کمیته بر مبنای «دلایل معقول» از کلیت رفتار مقامات دولت، از جمله، بیانیه‌های مقامات دولتی، ادامه یافتن بهره‌مندی مرتکبین نقض حقوق بشر از معافیت از مجازات و عدم محکومیت چنان رفتاری از سوی دولت استنتاج می‌کند که اعمال ارتکابی در جهت پیشبرد سیاست دولت بوده است. کمیته به ویژه مجاب است که این حملات توسط و با هماهنگی نهادهای مختلف حکومتی و سرمایه‌گذاری مقادیر قابل توجهی از منابع کشور، برنامه‌ریزی و هدایت شده و سازمان یافته‌اند.

پ- مسئولیت

۱۱۱. شاخه‌های مختلفی از نیروهای امنیتی کشور، با اونیفرم یا لباس شخصی، به ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروهای بسیج و فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا)، از جمله یگان ویژه فراجا، در توسل غیرضروری و بی رویه به قوای قهریه که منجر به کشتار و مجروح کردن غیرقانونی شد شرکت داشتند.

۱۱۲. شماری از نیروهای مختلف در دستگیری‌های دسته‌جمعی شرکت داشتند، از جمله وزارت اطلاعات، ماموران اطلاعات، نیروهای بسیج، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پلیس امنیت اخلاقی و ماموران فراجا. قربانیان، از جمله کودکان، در طیفی از مکان‌های بازداشت به طور خودسرانه نگهداری و شکنجه شده و مورد خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت و ناپدیدسازی قهری قرار گرفتند. بازداشتگاه‌های رسمی شامل پاسگاه‌های پلیس، زندان‌های زیر نظر سازمان زندان‌ها و تسهیلات و مکان‌های تحت اداره نیروهای بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده، درحالی‌که بازداشتگاه‌های غیررسمی شامل مکان‌های مخفیانه‌ای بودند که توسط وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای بسیج اداره می‌شوند.

۱۱۳. دادستان‌ها و قضات، به ویژه در دادگاه‌های انقلاب، بر اعترافات اجباری اخذ شده تحت شکنجه اتکا کردند، معترضان را براساس اتهامات مبهم مجرم شناختند و به اعدام محکوم کردند. آن‌ها همچنین مسئول نقض ضمانت‌های دادرسی عادلانه بودند. دادستان‌ها و قضات قوانین اجباری تبعیض‌آمیز علیه زنان و دختران، به‌ویژه در ارتباط با قوانین حجاب اجباری را اجرا کردند که منجر به بازداشت خودسرانه و شکنجه و بدرفتاری تجویز شده از سمت حکومت، از جمله شلاق شد.

۱۱۴. مقامات بلندپایه کشور با بیانیه‌های که اقدامات و رفتار نیروهای امنیتی را توجیه کرد، نقض حقوق بشر را تشویق و تشجیع کرده، اجازه داده و مورد صحنه قرار دادند؛ در کارزار تخریب و بدنام کردن که معترضان را به عنوان «تروریست» یا گروه‌های «تجزیه طلب» به تصویر کشید، شرکت کردند؛ و شخصیت و رفتار زنان را با استفاده از توهین و تحقیرهای مبتنی بر جنسیت و زن‌ستیزانه، تخطئه کردند. از سوی دیگر، بلندپایه‌ترین مقامات کشور از جمله رهبر، اعضای ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروهای بسیج و فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، دادستانی کل، شورای عالی فضای مجازی و شورای عالی امنیت ملی، ریاست قوه قضائیه، دادگاه‌های انقلاب و دادگاه‌های کیفری، مقامات زندان از جمله روسای شماری از بازداشتگاه‌ها، وزارت اطلاعات و وزارت کشور، در موارد نقض مشارکت کرده، به ارتکاب آن کمک و یاری رسانده، ارتکاب آن را تسهیل کرده یا به انواع دیگر در ارتکاب آن نقش داشتند، یا از این موارد اطلاع داشتند و یا به طور آگاهانه اطلاعات حاکی از ارتکاب آن را نادیده گرفتند و اقدامی برای جلوگیری از ارتکاب و مجازات مرتکبین نقض حقوق و جرایم انجام ندادند.

۱۱۵. کمیته در رابطه با هویت مرتکبینی که راسا دست به ارتکاب موارد نقض زده، به ارتکاب آن حکم داده و یا ارتکاب - آن را تشجیع یا ترغیب کردند به تحقیق پرداخت. کمیته در بخشی از این تحقیقات در مورد مسئولیت مقامات مافوق، زنجیره فرماندهی نهادهای مختلف را احراز کرد. این اطلاعات در «گزارش اتاق کنفرانس» موجود است. اطلاعات در مورد هویت و مسئولیت افراد، از جمله مقامات مافوق و ارشد در یک فهرست محرمانه درج شده است.

ت - مصونیت از مجازات

۱۱۶. کمیته هیچ‌گونه شواهد و مدارکی حاکی از وجود اقدامات جبرانی موثر داخلی برای قربانیان نقض حقوق بشر نیافت و احراز کرد که مقامات حکومت در رابطه با گزارشات نقض حقوق بشر تحقیق انجام نداد، افراد مسئول را مورد پیگرد کیفری یا مجازات قرار ندادند و عامدانه و به صورت نظام‌مند مانع هرگونه تلاش قربانیان و خانواده‌هایشان برای دانستن حقیقت و دادخواهی شدند.

۱۱۷. با وجود اینکه مقامات ایران انجام برخی تحقیقات را اعلام کردند، از جمله تاسیس «کمیته ویژه بررسی ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱»، تحقیقات آن‌ها با معیارهای بین‌المللی حقوق بشری ناظر بر تحقیقات داخلی انطباق نداشته و کمیته هیچ مدرکی در مورد تحقیقات کیفری در ارتباط با رسیدگی و بررسی موارد نقض حقوق بشر تصریح شده در این گزارش و همچنین هیچ مدرکی حاکی از پیگرد کیفری مرتکبین نقض حقوق بشر، یا تأمین هیچ شکلی از اقدامات جبرانی در حق قربانیان نیافته است.

۱۱۸. قربانیان محروم از حقوق خود بر برابری، حقیقت، عدالت و اقدامات جبرانی با نظام قضائی مواجه شده‌اند که فاقد استقلال، شفافیت و پاسخگویی است. قضات، دادستان‌ها، ماموران اطلاعاتی و وکلای مدافع مشمول در فهرست تایید شده ریاست قوه قضائیه، همگی به اتفاق در انکار و پنهان کردن نقض حقوق بشر، جهت محافظت از مرتکبین و مجازات کسانی که خواستار عدالتند همکاری کردند.

ث - راه‌ها و گزینه‌های پاسخگو نگاه داشتن مرتکبین در خارج از جمهوری اسلامی ایران

۱۱۹. به علت فقدان تدابیر جبرانی موثر در داخل کشور، راه‌های قانونی خارج از کشور در سطوح کشوری و بین‌المللی تنها گزینه قابل‌دسترس جهت پاسخگوسازی مرتکبین است. به ویژه، کمیته به این نتیجه رسیده است که کشور های ثالثی که اصل صلاحیت قضایی جهانی را اعمال می‌کنند گزینه مهمی برای قربانیان، از جمله کسانی که در خاک آن‌ها هستند، در راستای پاسخگوسازی مرتکبین موارد نقض و جرایم تشریح شده در گزارش حاضر ارائه می‌کنند. برای انجام تحقیقات و تعقیب کیفری اعمال تصریح‌شده در این گزارش، کشورها می‌توانند بر روش‌ها و ابزارهای مختلفی، از جمله بازکردن «تحقیقات ساختاری»، تاسیس تیم‌های تحقیقاتی مشترک، ردیابی و رصد مرتکبین مظنون به ارتکاب موارد نقض و ارسال درخواست‌های رسمی جهت کمک‌های قضایی برای گردآوری اطلاعات مرتبط، از جمله گرفتن مدارک از این کمیته، اتکا کنند.

۱۲۰. در سطح بین‌المللی، بعضی از موارد نقض تشریح شده در گزارش حاضر ممکن است در حوزه صلاحیت قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری، از جمله در ارتباط با اجرای میثاق بین‌المللی حذف تمام اشکال تبعیض نژادی، قرار بگیرد که در این حوزه قربانیان می‌توانند، پیرو ماده ۴۱ اساسنامه دادگاه، از یک حکم الزام‌آور جهت اقداماتی مشروط و موقتی، جهت حفظ حقوق خود بهره‌مند شوند.

۱۲۱. با در نظر گرفتن تعهد تضمین دسترسی قربانیان به اقدامات جبرانی کارآمد، موثر، فوری و مناسب، از جمله دسترسی به دانستن حقیقت و جبران خسارت، غرامت مالی، اعاده به وضع سابق، توانبخشی و تامین رضایت، کمیته یادآور می‌شود که نیاز به ابتکار عمل‌هایی در سطوح ملی و بین‌المللی، در ارتباط با قربانیان موارد نقض ذکر شده در گزارش حاضر وجود دارد.

ج - نتیجه و توصیه‌ها

۱۲۲. تبعیض فراگیر و عمیقاً ریشه‌دار ساختاری و نهادینه شده علیه زنان و دختران، که در تمامی عرصه‌های زندگی عمومی و خصوصی آنان رخنه کرده، هم جرقه و هم تسهیل‌کننده موارد گسترده جدی نقض حقوق بشر و جنایات تحت قوانین بین‌المللی بوده که در بستر جنبش «زن، زندگی، آزادی»، علیه زنان و دختران و همچنین مدافعین برابری و حقوق بشر، در جمهوری اسلامی ایران ارتکاب یافته است. جنبه‌های تبعیض در همنهاده، مبتنی بر هویت اتنیک و مذهبی، تجربه بسیاری را از خشونت و بی‌عدالتی در بستر اعتراضات و پس از آن شکل داد.

۱۲۳. با توجه به بار سنگین نتایج و یافته‌های این گزارش، کمیته از مقامات ایران مصرانه خواستار موارد زیر است: توقف اجرای تمام احکام اعدام و آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی افرادی که خودسرانه در بستر اعتراضات یا به علت عدم رعایت حجاب اجباری یا دفاع از عدم رعایت آن دستگیر یا بازداشت شده‌اند؛ توقف آزار و اذیت قضایی معترضان، قربانیان و خانواده‌هایشان؛ فسخ یا اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان و دختران و همچنین علیه مردان و پسران، به ویژه قوانین مرتبط با حجاب اجباری؛ و منحل کردن سیستم و نظام تعقیب و آزار و اجرای آن.

۱۲۴. این کمیته از مقامات ایران مصرانه خواستار موارد زیر است: توقف از آسیب‌دیده از نقض حقوق بشر مرتبط با اعتراضات آغاز شده از ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ بر عدالت، حقیقت و جبران خسارت را منطبق با معیارهای حقوق بشر بین‌المللی، تامین کنند. با توجه به فراگیری مصونیت از مجازات و تبعیض ساختاری در داخل کشور، کشورهای عضو باید علاوه بر پاسخگو نگاه داشتن مسئولین موارد نقض در سطوح ملی و بین‌المللی در خارج از کشور ایران، راهبردها و گزینه‌های ارائه اقدامات جبرانی، از جمله اعاده وضعیت، غرامت مالی و توانبخشی برای آسیب‌های روحی و روانی و جسمانی، تامین رضایت (به عنوان مثال: برگزاری مراسم یادبود و ادای احترام به قربانیان) و تضمین عدم تکرار این موارد نقض حقوق بشر، را بررسی و پیگیری کنند. در این زمینه، کشورهای عضو باید پناهندگی و ویزاهای بشردوستانه اعطا کرده و کمک‌های درمانی و حیات‌بخش برای قربانیان، از جمله برای افرادی که به دلیل مشارکتشان برای دفاع از حقوق بشر در بستر اعتراضات از آزار و اذیت و تعقیب در جمهوری اسلامی ایران گریخته‌اند را میسر و فراهم نمایند.

۱۲۵. با وجود اینکه کمیته به نتایج قابل توجه و مهمی دست‌یافته اما با اعطای زمان بیشتر خواهد توانست به استحکام و تقویت مدارک و شواهد خود در رابطه با تبعیض ساختاری و نهادینه‌شده آشکار در بستر این اعتراضات بپردازد و حفظ و نگهداری موثر و کارآمد مدارک و شواهد را جهت استفاده در روندهای حقوقی تضمین کند.

۱۲۶. دلاوری و تاب‌آوری زنان، مردان و کودکان جنبش «زن، زندگی، آزادی» نیاز حیاتی به همبستگی جهانی دارد، همبستگی با همه کسانی که به مبارزه برای برابری، عدالت، حق آزادی بیان و تجمعات مسالمت‌آمیز و حقوق زنان و دختران در جمهوری اسلامی ایران ادامه می‌دهند.